

بنده هم اول کاری که کردم لایحه امتحان را به مجلس پیشنهاد کردم که الان هم در کمیسیون هست و باید هر چه زودتر کمیسیون جلسات عدیده خود را تشکیل بدهد و استماعی من هم شفاها و کتبا این بوده است که جلسات خود را مرتباً مداومت بدهند و لوابی که راجع به عدلیه است زودتر تصویب کنند که بموقع اجراء گذاشته شود.

باین بنده بقدری که لازم بود و توانسته ام انجام وظیفه کرده ام

رئیس - مذاکرات کافی است ؟ (بعضی گفتند کافی است)

رئیس - رأی می گیریم در این لایحه که مشتمل بر سه ماده است آقایانی که تصویب می کنند ورقه سفید و آقایانی که رد می کنند ورقه کبود خواهند داد .

(در این موقع اخذ استعراج آراء بعمل آمده اینطور نتیجه حاصل شد)

ورقه سفید علامت قبول ۴۷
ورقه کبود علامت رد ۱۱
ورقه سفید بدون امضاء ۲
امتناع ۲

رئیس - با اکثریت چهل و هفت رأی تصویب شد .

(اسامی قبول کنندگان)

آقای سیدالملك . آقای وکیل - الملك . آقای عمادالسلطنه طباطبائی . آقای منتصرالملك . آقای حاج میرزاتقی خان نائینی . آقای صمصام السلطنه . آقای حاج میرزا اسدالله خان . آقای جلیل - الملك . آقای قوام الدوله . آقای سید محمد تدین . آقای فهیم الملك . آقای سردارمفطم . آقای سعیدالملك . آقای صدرالاسلام ابهری . آقای صدرائی . آقای محمد هاشم میرزا . آقای حاج میرزاتقی آقای سهام السلطان . آقای مخبرالسلطنه آقای رکن الملك . آقای اقبال السلطان آقای مدرس . آقای میرزا سید حسن کاشانی . آقای شیخ الاسلام ملایری . آقای بیان الملك . آقای آصف الملك . آقای امین الشریعه . آقای سردار جنک آقای بیان الدوله . آقای امیرناصر . آقای معتمدالسلطنه . آقای عمادالسلطنه خراسانی آقای عدل السلطنه . آقای حاج شیخ اسدالله آقای آقا سید فاضل کاشانی . آقای سردارمفطم کردستانی . آقای زفمت الدوله آقای آقامیرزا ابراهیم قمی . آقای سالارمفطم . آقای مستشارالسلطنه . آقا سید محمد محمد تقی طباطبائی . آقای فتح الدوله . آقای ناظم دفتر . آقای آقا میرزا حمد نجات . آقای نظام الدوله . آقای ملک الشعراء . آقای آقا میرزا ابراهیم خان ملک آرائی .

اسامی رد کنندگان
آقای میرزا هاشم آشتیانی . آقای

حاج شیخ محمد حسن گروسی . آقای دست غیب . آقای شیخ الاسلام اصنهانی . آقای سلیمان میرزا . آقای کازرانی . آقای حاج میرزا عبدالوهاب . آقای ناظم العلماء ملایری . آقای بهاء الملك همدانی . آقای میرزا طاهر تنکابنی . آقای حائری زاده
رئیس - راپورت کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات مطرح مذاکرات است آقای مدرس

(اجازه)

مدرس - چون کمیسیون ها انتخاب نشده اگر اجازه بفرمائید مجلس را ختم کنم ومشغول انتخاب بشویم .
رئیس - مشغول مذاکره می شویم و آقایان یکی یکی تشریف می برند بیرون وانتخاب می کنند .

مدرس - نمی شود .
رئیس - خرب پس چند دقیقه تنفس می شود بشرط اینکه کمیسیون را انتخاب بفرمائید

در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت تشکیل گردید

رئیس - بقیه مذاکرات می ماند برای جلسه دیگر عجالتاً يك ورقه از طرف وزارت فوائد عامه رسیده است قرائت می شود بعد دستور معین می شود و جلسه را ختم میکنیم (رقعه فوق شرح ذیل قرائت شد)

مقام محترم مجلس مقدس شورایی ملی درباب قالی ایران که در جلسه قبل در مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه مذاکراتی جریان داشت نظر به کمال اهمیتی که این مسئله حائز است مستدعی است مقرر فرمائید کمیسیون پارلمانی فوائد عامه هر چه زودتر منعقد شد و باین وزارتخانه توسط تلفن اطلاع دهند که آقای فطن - السلطنه مدیر دایره تجارت و مسیو داهر کفالت شیمیست دولتی و عضو فنی این وزارتخانه در کمیسیون مزبور حضور بهم رسانند اطلاعات خود را درباب قالی اظهار دارند و نیز مستدعی است قبل از آنکه در کمیسیون پارلمانی فوائد عامه مطلب کاملان تحت مذاقه و مطالعه گذارده شود در مجلس مقدس در باب قالی های جوهری تصمی می اتخاذ نگردد (وزارت فلاح و تجارت و فوائد عامه)

رئیس - آقای مدرس (اجازه)

مدرس - این مسئله قالی جوهری ده دوازده سال است مطرح مذاکره است و خیلی از آقایان هم می دانند و بنده عقیده دارم حالا که مذاکره شد و آقایان در اطراف آن اطلاع پیدا کردند اگر در مذاکره آن تأخیر شود اسباب تعویق کار خواهد شد و بنده مناسب نمی دانم امروز که مملکت ما محتاج است ملاحظه امورات تصدای بشود با این که مبانی این کار راهم همه می دانیم که محتاج است صادراتش زیاد شود و هر این است تکلیفی

برایش معین کنم چون دوسه فقره صادرات داریم که اشکالات زیادی چه در اینجا و چه در سرحدات برای آنها تراشیده میشود بنا بر این گمان من این است باید همانطور که در پارلمان مذاکره شد مذاکره ادامه پیدا کند و ترتیبی داده شود و عقیده بنده از این دو سه فقره صادرات آنمان که قالی و انقوزه و کتیرا باشد نباید گمراه گرفته شود تا صادرات مملکت ما زیاد شود چون مردم فقیر هستند محتاج هستند (اگر چه بنده این الفاظ را دوست ندارم تکرار کنم) ولیکن خلاصه عرض می کنم که نباید صادرات گمراه بسته شود علی الخصوص قالی و کتیرا و انقوزه که در واقع این سه فقره صادرات مهم مملکت ما است بلکه شاید انشاء الله صادرات ما زیاد شود و تا بول در این مملکت پیدا شود .

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - موضوع پیشنهاد وزارت فوائد عامه با موضوعی که اینجام مطرح است دو تا است و فرق دارد اینجام در موضوع مالیات قالی صحبت می کردیم نه درباب تشخیص رنگ وزارت فوائد عامه اگر میخواهد تشخیص رنگ بدهد بعد بنده ما در موضوع يك مالیات غیر مشروعی که گرفته می شود صحبت می کردیم که نباید گرفته شود و اینها همه ظفر است و بنده عقیده ام این است و پیشنهاد می کنم که جزء دستور جلسه آتیه باشد که شاید بزودی يك نتیجه گرفته شود (گفته شد صحیح است)

رئیس - خوب حالا این ترتیباتی که فرمودید بایشهاد منافی ندارد و چون جلسه آتیه روز سه شنبه خواهد بود و روز سه شنبه جلسه نداریم موافق صورتی که راجع بتعیین اوقات داده شده است کمیسیون فوائد عامه روز یکشنبه عصر روز چهارشنبه صبح منتهی می شود و آقایان اعضاء کمیسیون فوائد عامه باید فردا بیانشند کمیسیون را تشکیل دهند و بزوارت فوائد عامه هم اطلاع داده میشود که آن اشخاص را بفرستند و در جلسه فردا و سه شنبه در کمیسیون مطالبات لازم را بنمایند اگر مطلب قابل توجه بود بمرض مجلس میرسانند و اگر نبود روز سه شنبه جزء دستور خواهد بود .

جلسه آتیه روز سه شنبه هفتم برج نور سه ساعت و نیم بفرودمانده دستور اولاً بقیه مذاکرات راجع بقانون انتخابات

ثانیاً - شورتانی در لایحه راجع به مستمریات .

ثالثاً راجع بامرقالی .

رفعت الدوله - قالی را مقدم بدارید بهتر است .

رئیس - بسیار خوب بود ؛ اولاً راجع به امرقالی .

ثانیاً بقیه مذاکرات راجع بقانون انتخابات .
ثالثاً شور تانی در لایحه راجع به

مستمریات .
حاج میرزا مهرتقی - سه ساعت و نیم بفرود مانده زود است خوب است سه بفرود مقرر فرمائید .
رئیس - سه ساعت و نیم بفرود سه ساعت بعد از ظهر خواهد بود .
(گفته شد صحیح است)
مجلس دو ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد

جلسه پنجم
صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه هفتم برج نور ۱۳۰۱ مطابق ۲۹ شعبان المعظم ۱۳۴۰

مجلس یکساعت و نیم قبل از فرود بریاست آقای مومنان الملك تشکیل گردید صورت مجلس یوم شنبه دوم نور را آقای امیرناصر قرائت نمودند
رئیس - گویا نسبت بصوت مجلس مخالفی نباشد ؟
(گفته شد شیر)

رئیس - صورت جلسه تصویب شد . یکی از مطالبی که جزو دستورات مسئله قالی است آقایان موافقت کردند امروز مطرح مذاکره شود یا نه ؟
(مخالفی نبود)

رئیس - آقای مستشار السلطنه (اجازه)

مستشار السلطنه - مخبر کمیسیون فوائد عامه . عرض می کنم چون راپورتش امروز داده شده که طبع شود و هنوز طبع و بین نمایندگان توزیع نشده است اگر اجازه می فرمائید بماند تا پس از طبع و توزیع بین آقایان نمایندگان جزو دستور باشد با اینکه قبل از طبع راپورت کتبی آن مطرح گردد ؟

رئیس - آقای آقا سید یعقوب - بنده خواستم عرض کنم که اگر مسئله قالی جزو دستور گذاشته شود بنده جزو مخالفین هستم چون در سابق جزو موافقین بودم حالاً عرض کردم که بنده مخالف هستم

رئیس - آقای ملک الشعراء - بلی موافقم در این

که جزو دستور بشود
رئیس - آقای کازرونی - راجع بدستور است ؟

آقا میرزا علی کازرونی - بنده مخالف نیستم که بماند برای جلسه آینده .

رئیس - پس همه موافق هستید

راپورت کمیسیون هم هنوز طبع نشده است ممکن است راپورت کتبی قرائت شود

میرزا علی کازرونی - اجازه می فرمائید توضیح بدهم

رئیس - بفرمائید
میرزا علی کازرونی - بنده عرض کردم که مخالف نیستم بماند برای جلسه

دیگر و در این جلسه هم اگر جزو دستور بشود مخالف نیستم .

رئیس - آقای وحیدالملک (اجازه)
وحیدالملک - بنده عقیده ام این است که اگر بماند برای جلسه آینده که راپورتش طبع و توزیع شود بهتر است **رئیس -** پس رای می گیریم که جزو دستور امروز باشد یا نه ؟

سلیمان هیرزا - نظامنامه داخلی تکلیف رامین کرده است می نویسد هر چیزی که در مجلس مطرح می شود ۲۴ ساعت قبل باید طبع و بین نمایندگان توزیع شود چون هنوز طبع و توزیع نشده باید بماند برای جلسه دیگر و رای لازم ندارد **رئیس -** چون هنوز سما بکمیسیون مراجعه نشده است آن روز اینجا قنری مذاکره شد و بقیه موکول باین جلسه شد رسماً بکمیسیون مراجعه نکردیم حالا باید رای بگیریم که جزو دستور باشد یا نه .

مستشار السلطنه - کمان می کنم کمیسیون قوائد عامه باین نظریه موافق باشند که بماند بهدار طبع و توزیع و با مطالعه کامل آقایان نمایندگان مورد بحث واقع شود و بنده میتوانم نظر کمیسیون قوائد عامه و نظر شخصی خودم را اینطور اظهار نمایم که مذاکره در این مسئله بماند ناراپورت طبع و توزیع شده و بعد از مذاکره آقایان جزو دستور و مطرح مذاکره بشود **رئیس -** آقایانی که موافقند از دستور امروز خارج شده و بماند برای جلسه روز شنبه قیام فرمایند (اغلب از نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - رئیس تصویب شده مذاکره راجع بقانون انتخابات است آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده چون موافق هستم به از یک مخالف هرایض خود را عرض میکنم

رئیس - بسیار خوب ولی یادآوری می کنم راجع بشرايط منتجه است آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطنه - بنده هم موافقم **رئیس -** آقای کازرونی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - راجع بشرايط انتخاب کنندگان است . راجع بشرايط انتخاب کنندگان ما بایستی يك اصلی را مسلم بدانیم و در اطراف آن صحبت کنیم اصل مسلم ما این است که حکومت ماملی است و اکثریت ملت ما یعنی نودون نفر در صدی سواد است و همینطور هم در صدون و نه نفر فقیر است اگر بنا باشد ما بگوئیم بآدم با سواد باید تعرفه بدهیم البته صحیح نیست و آنوقت حکومت ملی نخواهد بود برای این که يك نفر در مقابل ۹۹ نفر مستهلك و محكوم است . بعضی که در باره ۹۹ نفر میشود همچین اگر گفتیم هر کس

ملك دارد باو تفرقه بدهیم این هم بی مورد است . .

رئیس - کمان می کنم از موضوع خارج شدید اگر خاطر آقایان باشد فرارشد زمینه با شرایط فعلی قانون انتخابات باشد و اشخاص مخالف که موافق اظهارات خود در روی همان زمینه کنند . آقای آمیرزاسید حسن موافقم؟

میرزا سید حسن کاشانی - بنده موافقم با آنچه میفرمایید که در قانون انتخابات فعلی نوشته شده است

رئیس - آقای دستنویب چگونه؟

آقا سید محمد باقر دست غیب - بنده اجازه نخواسته ام .

رئیس - آقای شیخ العرافین زاده فعلی نوشته شده است

رئیس - آقای دستنویب چگونه؟

آقا سید محمد باقر دست غیب - بنده اجازه نخواسته ام .

رئیس - آقای شیخ العرافین زاده (اجازه)

شیخ العرافین زاده - بنده اساساً باین شرایطی که در قانون انتخابات است مخالفم نه از نقطه نظر این که این شرایط را که می دانم بلکه عقیده ام این است که برای صحت جریان انتخابات باید شرایط دیگری هم علاوه کرد اساساً انتخابات در ایران از ابتدای مشروطیت تا بحال سه قسم جریان داشته است يك قسم انتخابات صنفی يك قسم انتخابات دودرجه يك قسم انتخابات یکدرجه انتخابات یکدرجه انتخاباتی است که امروزه در تمام دنیا معمول است و در هر جا که انتخابات دو درجه باشد بر خلاف افکار عمومی است و عموم مایل بافکار یکدرجه باشند ولی یکی از شرایط اعظم در انتخابات یکدرجه مستقیم این است که اهالی و کسانی که تعرفه می گیرند و رای می دهند کاملاً باید معتاد در اراده و تعیین نماینده خودشان باشند و اول شرطی که در انتخابات مستقیم شده است مسئله سواد است همه جا دیده ایم سواد را شرط اعظم انتخابات مستقیم دانسته اند و البته کسی که سواد نداشته باشد نمی تواند شخصاً بازاده خودش يك نفری را که محل اعتمادش باشد انتخاب بنماید و عجب تر این است که این بی سوادى هم مخالف با يك اصل مهمی است که آن رای مخفی باشد می گویند انتخابات مستقیم رای مخفی - خیلی محل تعجب است؟ آيا ه هزار نفری که سواد ندارند چگونه می توانند رای مخفی بدهند؟ لابد میروند و می دهند بيك کسی که رای آن هارا بنویسد بهر حال این طریق انتخاب عمومی از دوره دوم تقنینیه در ایران جریان پیدا کرده حالا اگر بخواهیم خلاف اینهم يك اظهاراتی بکنیم و انتخابات را دودرجه معمول بدانیم همانطور که آقای فهیم الملك فرمودند سیر به قراست اگر چه یکی از آقایان می فرمودند اگر يك یای مادر چاله فرود رفت لازم نیست یای دیگرمان را هم در چاله بگذاریم که تا کمر توی چاله فروروم بلکه باید بر گردیم و جلوی پایمان را نگاه کنیم و اگر چاله هست پایمان را نگاه داریم و مجدد توی چاله ننگذاریم باری امروز البته دنیا رو بترقی و تکامل است ایران هم

بمذاز آنکه انتخابات مستقیم و عمومی را تصویب کرد و مدتی هم در او عمل کرد نباید حالا برگردد برای محدود و انتخاب دودرجه ولی این ترتیب فعلی انتخاب هم البته تصدیق دارید که منظور از انتخابات را تأمین نمیکنند منظور از انتخابات ها کمیته ملی است و اینکه مقننه بیل و اراده خودش نتواند بيك نفر را بوکالت معین بکند یا جامعه ای را بصرف هوی و هوس خودش سوق می دهد که او را انتخاب کنند .

(در این موقع بعضی از نمایندگان همه هم کردند)

رئیس - آقایان بگذارید مطلب خودشان را اظهار بکنند .

حاج شیخ اسدالله - خودشان یادشان می رود .

شیخ العرافین زاده - بنده بادم نمی رود اینجا صحبت میکنم بنده هم گوش می دهم و همان طور که بنده حق حرف زدن دارم ایشان هم حق دارند احساسات خودشان را اظهار دارند و بنده هم عقیده ام این است که با تثبیت باصل انتخابات عمومی باید بيك اصل دیگری را هم قائل بشویم و آن این است که در شهر ها اشخاص باسواد باختلاف مراتب حق بيك رای و دورای و سه رای دادن داشته باشند که اینکه در خیلی جاها هم فعلاً باین اصل متشبث هستند . شاید در قانون بلزبك این اصل مسلم باشد که اشخاص با سواد بيك رای بدهند صاحبان ملك دورای و دیپلمه های دارالفنون سه رای امدار مملکت ما نسبت بصاحبان ملك نمی شود این عقیده را اظهار کرد که دارای دورای باشند برای اینکه بيك قسمت از صاحبان ملك دارای خصوصیتانی هستند که برخلاف افکار عمومی است ولی مزیت فضل را هیچکس نمی تواند منکر شود اگر ما قائل شویم که اشخاص فاضل و تربیت شده که در مدارس عالی تحصیل کرده اند حق دارند دورای بدهند یا سه رای ممکن است بيك تماثل حاصل شود در مقابل اعمال نفوذهایی که در اشخاص بی سواد ممکن است جریان داشته باشد مثلاً اگر ما صد هزار نفر انتخاب کننده داشته باشیم هشتاد هزار نفرشان را باسواد بگذارند و ده هزار نفرشان را تصور کنیم که دارای دورای باشند این بیست هزار رای این هم سی هزار رای جمعاً میشود پنجاه هزار رای آنوقت در مقابل هشتاد هزار نفر با با کسر وانکسارش ممکن است رای آن بیست هزار نفر با هشتاد هزار نفر تکافوی بکند و آنوقت نتیجه مطلوبه از انتخابات حاصل بشود و بيك اشخاصی انتخاب شوند که بتوانند بيك مملکت را به سمت تاملی و ترقی سوق بدهند و اگر این شکل نشد و انتخابات را به همین طرز امروزه بگذاریم بماند همچوقت از این همه سوء جریانات و شکایات متواتره خلاص نمی شویم زیرا

انتخابات مستقیم است و هر کس هم حق دارد بهر وسیله که برایش ممکن است مداخله در انتخابات بکند

وقتی که نباشد شخصی که صلاحیت نداشته باشد مداخله در انتخابات بکند یا بيك نفری که دارای ده هزار رعیت شدنی - تواند آنها را اودار کند که رای بدهند و بيك شخصی که صلاحیت ندارد مدین شود و آن نتیجه که از انتخابات مطلوب است بعمل نیاید و کور کورانه بيك رای بدهند و ندانند که چه رأی داده اند و بيك زای داده اند پس بعقیده بنده باید مزیت فضل رعایت بشود و اشخاصی که تحصیل کرده اند و از مدارس عالی و دارالفنون دیپلم دارند سه رای بدهند و طلبه های مدارس که مشغول درس خواندن هستند یا دیپلمه های مدارس متوسطه دو رای بدهند این بود عقیده بنده .

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله .

(اجازه)

حاج شیخ اسدالله - اگر چه نظریات خودم را در جلسه قبل عرض کردم ولیکن باز برای تذکر آقایان و مخصوصاً ناطق مستتر عرض می کنم که انتخابات ممکن است به چند قسم صورت بگیرد یا طبقاتی یا دودرجه یا عمومی

اما اگر طبقاتی را بنامد امروزه معمول بدانیم این طرز انتخاب اکثریت ملت را از حق رای دادن محروم نمی کند زیرا طبقات فقط در شهرهاست و اکثریت ملت را همین شهر های تنها که تشکیل نمی دهند

دهات و قصبات هم هستند . چون آنها جزء طبقات نیستند .

مطابق این ترتیب از حق انتخاب کردن محروم میشوند و این مطلب مخالف با حکومت ملی است .

(گفته شد صحیح است)

پس این ترتیب را که نمیشود انفاذ کنیم برای اینکه مخالف با اساس حکومت ملی است و ما هم که امروز معتقد باستحکام اساس حکومت ملی هستیم و اما راجع به انتخاب دو درجه سابقاً هم عرض کردم ممکن است بکنند منتخب بوسیله اقدامات نامشروعی انتخاب شود باین معنی که در درجه اول مثلاً باینجا رای انتخاب شود و در درجه دوم از شخصی که دارای پنجاه هزار رای بود جلو بیفتند و در درجه دوم حائز اکثریت بشود و آنکه نماینده حقیقی است و رای او بدون دسیسه است و اکثریت نداشته باشد بنابراین ما نمی توانیم تصدیق کنیم که این شخص منتخب ملت است برای این که آن کسی که دارای پنجاه رای است البته در مقابل پنجاه هزار رای محروم است و نمی توان گفت که این شخص منتخب ملت است

قسمت کردند و گفتند کار ما شاما تمییز و زندگانی مال ما هر چه قشنگ است مستلذات است مال ما زحمت و آفتاب خوردن مال شما .

بعد کارگران هم فهمیدند که آنها هم بشرند آنها هم باید کار کنند و همی کنند لابد با آن حرصی که بشر دارد بدند که تراحات بین خودشان فراهم میشود ناچار شدند یک ترتیبی بین خود قرار بدهند که موافق آن ترتیبات زندگانی بکنند و تعدی بحق یکدیگر نکنند این بود که کوچکها و زیردستان به بزرگان گفتند که سالهای سال است ما اشتباه کرده بودیم که ما باید کار کنیم و شما بخورید حالا باید شما هم کار کنید ما هم کار کنیم و هر دو با هم بخوریم و باید ترتیبی بدهیم که همه دخالت در کار داشته باشیم یعنی در ترتیب زندگانی فکر همه ما مداخله باید داشته باشد آنوقت این طور شد که همه در جریانات امور خودشان مداخله داشته باشند و نظر باینکه اگر می خواستند همه در یک نقطه جمع بشوند و مداخله در امور زندگانی بکنند ممکن نیست پس گفتند هر جمعیت صد هزار نفره یا کمتر یا بیشتر بکنند وکیل از میان خودشان انتخاب کنند و آنها بشنوند در یک مجلسی و فراری برای زندگانی آنها بدهند پس قرار انتخاب از اینجا پیدا شد و درحقیقت وکیل آن کسی است که کارهای دیگری را که با توپوش همه انجام بدهد موکل کسی است که کار خودش را توپوش بکنند بکسی مثلا من توپوش می کنم به شخصی حق اینکه بروم عمارت مرا بفروشد او می شود وکیل من هم می شوم و کل حالا بالبداهه بین وکیل و موکل چه مطلب لازم است که اساس کار است و آن مطلب را حالا عرض می کنم .

اول این است که موکل قطعا باید وکیل خود را بشناسد و برای این مطلب است که معروفیت مجلس در قانون انتخابات شرط شده و همچنین در قانون انتخابات عثمانی هم این شرط است . دوم اینکه کسی که کارش را شخصی واگذار می کند باید اطمینان داشته باشد که آن شخص را بشناسد و بتواند انجام بدهد ممکن است که آن شخص را بشناسد ولی کارم او را نتواند انجام بدهد این چند چیز اساس بین وکیل و موکل است یکی هم راجع بامری است که وکیل میکند یعنی در چه چیز آن شخص را وکیل می کند مثلا می نویسد این شخص را وکیل کردم برای فلان دهوا در هدلیه که تا فلان مدت دهوا و معا که را انجام بدهد یا وسکیل کردم تا فلان مدت فلان چیز را بفروشد چون بنده خیلی در مجالس بوده و دیده ام چه در زمانی که مجلس بود چه در زمان

فترت خیلی حملات در خارج دیده ام که نسبت بو کلامی شده و خیلی توقعات میکردند که من آن توقعاتشان را صحیح نمی دانستم مثلا وقتی بکنند عارض شده بود که گوسفند مرا برده اند من اول گمان می کردم که من فقط برای وضع قوانین وکیل شده ام برای چه دخالت در اینکار بکنم ولی بعدا فهمیدم حق با اوست گوسفند او را که برده اند من مقصوم و دلپاش را هم عرض میکنم در تفویض امری بوکیل سه چیز باید ملاحظه شود یکی شخصی که انجام آن امور را رجوع میکند آن موکل است و یکی هم کسی که تکفل انجام آن امور را میکند آن وکیل است و آن امر تکفل شده موکل فیه است در وکیل انتهای هم تمام این مطالب است حالا اگر انتخاب خوبی باشد واقعا خوب است برای اینکه مواد مرام نامه معین شده است مثلا دمکراتها بکنند آنرا انتخاب میکنند که در مجلس آمده موافق مرام آنها عمل کند و اگر برخلاف مرام دمکرات عمل کند خیانت کرده است بجهت اینکه او را برای اجرای آن مرامنامه انتخاب کرده اند ولی چون بدبختانه در مملکت ما انتخاب حزبی نیست بیچاره موکل میگوید من تو را در اصلاح تمام امور سیاسی خودم وکیل کرده ام آنوقت آن وکیل وکیل مطلق است و این یک بدبختی است زیرا آنکه گوسفندش در آنجا رفته من مواظبم بجهت اینکه اگر کابینه خوبی تشکیل میدادم البته آن کابینه هم مامور خوبی انتخاب می کرد و می فرستاد که گوسفند او را بگیرد و صاحبش رد کند پس مسئول تمام جریانات مملکت وکیل مطلق خواهد بود حالا یک اشاره مختصری هم بیهی مطالب میخوانم بکنم ولی به آقایان هیچ مربوط نیست و سوء تفسیر نشود

مثلا درو کلاهی هدلیه چند قسم وکیل پیدا میشود ؟ یک وکیل را موکل معین میکند که فلان کار مرا انجام بدهد و فلان اجرت را بتومی دهم هر دو هم هدلیه را می شناسند و اطمینان هم بهمیدیک دارند و کالات نامه را می نویسند و بدستش میدهند آنهم می برد و آن کار را تمام می کند یک قسم دیگر وکیل است که موکل باو اطمینان پیدا کرده و وکالت داده ولی آن وکیل مقصودش کار کردن برای موکلش نیست مقصودش فقط این است که همان حق الوکاله را بگیرد و دیگر کاری بکار او ندارد از این قسم و کلا در هدلیه هم پیدا میشود یک قسم وکیل دیگری هم هست بدتر از این که حق الوکاله را از موکل خودش می گیرد و با مدعی او همراه شده و حق موکل خود را پایمال می کنند شاید این قسم وکیل درو کلاهی انتخابی هم باشد ولی نه در این مملکت و نه در این مجلس

بکوقت هم ممکن است که هیچ وکیل نباشد و وکالت نامه هم نداشته باشد ولی با کسانی می سازد که وکالت او را قبول کنند اگر چه واجد شرایط و کالت هم نیست و لکن او را می پذیرند و با هم می سازند اینطور چیزها هم در وکلا هست اما انشاء الله در ماها نیست . حالا بر گردیم باصل مطلب من چرا قائل بتجدید شدم با اینکه مسلک من این است که وکلا باید از طرف عموم و مصلح عموم باشند وکیل از هر جای مملکت انتخاب شود وکیل همه مملکت است و باید اصلاح تمام مملکت را بکنند چون بنده در کبیسون تجدید نظر در قانون انتخابات هستم و سر تاپای قانون را ملاحظه کرده ام و احتیالاتی که انتخابات را مختل نماید همه را منتهیادم و بنظر خودم اصلاحاتی را که لازم دارد با دوا داشت کرده ام و در خانه موجود است بنده صوب چندی در این قانون دیده ام که آقایان اشاره بآنها نکرده اند حالا به بیتم باین اصلاحاتی که آقایان خواسته اند رفع آن عیوب می شود و مقصود حاصل می گردد و آن وکیل منتخب عموم خواهد بود یاخیر مثلا فرض میکنم که در یک قسمت از مملکت یک وزیر امر نموده که فلان آقا را انتخاب کنند و آنها هم انتخاب کردند آبا این وکیل مردم میشود ؟

خیر وکیل آن وزیر است یا فرض میکنم خدای نکرده حاکمی بدبختی رفته یکی از کسان خودش یا بسته خودش یا برادر خودش یا نوکر خودش را وکیل کرده پس این وکیل آن حاکم است نه وکیل مردم گاهی هم ممکن است که انجمن نظار ما بد باخند مثلا بجاهانی که مطابق میل آنها نیست تعرفه کم بدهند یا اوراق رأی آنها را خراب کنند البته در اینصورت وکیل که بنظریات انجمن نظار باشد وکیل مردم نخواهد بود پس باید آنها را اصلاح کرد و اگر این قانون انتخابات باین طوری که نوشته شده بگذرانیم البته طهر آنها دست از سر ولایات بر نخواهند داشت و می خواهند وکیل تمام ولایات هم خودشان و کالات نامه را می نویسند و بدستش میدهند باخند پس باید شرط بکنیم که منتخب هر جایی باید اهل آن محل باشد تا از این جا دسیسه نکنند اصلاح دیگری که بنده عقیده دارم این است که باید وزراء و حکام و معاونین آنها و روسای ادارات و غیره را که اعمال نفوذ می کنند از حق انتخاب محروم کرد و آنها حق انتخاب شدن نداشته باشند خوب حالا بر فرض سکه همه آنها اصلاح شده وزراء مداخله نکردند حکام مداخله نکردند و انجمن نظار راهم خود ملت از اشخاصی امین بدون اعمال نفوذ دولت معین کرد و وزراء و حکام و روسای ادارات هم حق انتخاب شدن را نداشته اند اما باز به بیتم بدان

مقصود میرسیم بانه ؟ حالا در این جا می دانم که آقایان می گویند این حق عموم است حق رایا را نمی شود گرفت بنده هم می گویم بلکه حق عموم است حق همه است ولی درست تعقیق بفرمایند که چه می خواهم عرض کنم یک چاقو قوی مال یک بچه است که اگر من بدستش بدهم دست خودش را میبرد آیا بدهم یا ندهم ؟ یا یک جواهری مال یک بچه ساده لوحی است که اگر بدست او بدهم یا یک سبب از او بگیرند در این صورت بدستش بدهم یا ندهم ؟ البته نمی دهم برای اینکه بضرر خودش استعمال خواهد کرد شمشیر را بدست کسی بدهم که از دستش بگیرند و سرش را ببرند ؟ این ظلم است غلط است بنده تعهد بدرا قائل شدم برای حفظ حقوق عموم می گویم عمومی نباشد تا حق عموم محفوظ باشد نه اینکه از عموم حق آنها را سلب کنم . می گویم اگر بخواهند حق عموم محفوظ بماند باید انتخابات را تجدید بکنند اگر محدود نکنند حق اوساب می شود و بنده عرض میکنم در اکثر ولایات انتخابات فقط بدست دوسه نفر ملاک خواهد افتاد و هر کس هم اسکار بکند من قبول می کنم زیرا ممکن است یک نفر مالک بدشانس نبویسد که رایا بیاورد برای بکنند رأی بدهند بقبول بعضی ها که می گفتند عیبی آمده بود در انجمن نظار می گفت مرا زود تر رخص کنید و تعرفه مرا بدهید پس اگر بخواهم بدست هر شخصی تعرفه بدهم قطعا مجلس آینده از ملائک تشکیل خواهد شد علاوه ممکن است یک رعیت بیچاره بیاید نزد من و بگوید حسن را بنویس و من حسن را بنویسم بدهم دست او آن بیچاره که نمی داند من چه اسمی را نوشته ام آنوقت او را مراد صندوق انداخته است و اگر ده هزار نفر رعیت را یک مالکی بفرستد بیاید و با آنها بگویند که فلانکس را انتخاب کنید البته بییل او می آید و می نویسد و در این صورت آن ده هزار رأی تمام رأی آن مالک خواهد بود و منتخب منتخب آن مالک است نه مردم و بنده باینکه اصلاحاتی را که آقایان منظور دارند همه را اصلاح شده فرض می کنم و با وجود این میگویم این طور جریان پیدا خواهد کرد و حق عموم به عموم نخواهد رسید من این مطلب را بصدا میگویم که روزنامه نویسها بنویسند که فلانکس میگوید حق عموم را نهدند من برای حفظ حق عموم می گویم عمومی نکنند اگر اینطور نباشد حق عموم از بین میرود حالا خواهید گفت که چه قسم تجدید بکنند بنده درست فکر کردم و سه چیز بنظر آمد یکی اینکه آقایان تصور کرده بودند که در یک مملکتی معمول بود باحاله هم هست که برای مالکیت دورای باسه رای حق بدهند بنده این را هیچ متقدم نیستم که فرق بگذارند و ثروت را مناط اعتبار قرار بدهند و هیچ نمی بینم . یکی دیگر فکر کردم جاهای بزرگ را حق رأی بدهم مثلا جاهایی که پانصد خانوار دارد برای اینکه در اینطور

جاهای که جمعیت زیاد دارد کمتر اعمال نفوذ میشود تا جاهای کوچک باز دیدم که این هم حقیقتا انصاف روا نمیدهد که بگویم چون جای کوچک است انتخاب نکنند و جا های بزرگ انتخاب کنند اگر چه این یک حکمتی دارد زیرا اهل شهرها خوب تر می- فهمند و در آن جاها اعمال نفوذ کمتر میشود ولی معذک آنرا هم نخواستیم سومی را که بنده گفتم مسئله سواد است اگر چه بنظر آقایان آنوقت انتخاب کننده خیلی کم خواهد شد ولی خیر باین درجه که تصور فرموده اند نیست افلاطفال و نسون را کنار بگذارید اشخاصی که بیدل خودشان می آیند نه بزور اشخاص دیگر یعنی بعضی اینکه اعلان انتخابات را کردند بختیار خودش بگویند من بروم و او وکیل انتخاب نمایم در میان این اشخاص گمان میکنم که نصف شان سواد داشته باشند حالا می گویند که نصف دیگر این جمعیت سواد ندارند بنده عرض می کنم آنها اینکه بیدل خود می آیند یا تمام باسوادند یا نصف شان باسوادند پس هر گاه سواد را تعیین کنیم کسی را محروم کرده ایم آن کسی که خودش نمی آید آن کسی که او را بزور می آورند پس چه کسانی را محروم کرده ایم ؟ آن کسانی را که نمی آیند و رأی خودشان را نمی دهند اما اگر قید ثروت کنیم خواهند گفت که این قید خارج از اختیار است اگر کثرت جمعیت را بخواهم قید کنیم آنرا هم خواهند گفت خارج از اختیار است اما قید سواد ترغیب نمی کند که بروند و تحصیل سواد کنند و می توانند در ظرف سه ماه بروند سواد پیدا کنند که اسم خودشان را بتوانند بنویسند ولی عقیده بنده قید سواد خوب است برای این که با سواد می توانند انتخاب کنند و اگر مراد نداشته باشند نمی دانند چه اسمی را نوشته و با داده اند و اینکه آقایان میگویند اگر قید سواد کنیم انتخاب کننده کم می- شود و حق عموم محفوظ می ماند و منتخب عموم است و انتخابات هم صحیح است حالا اگر آقایان موافقت موافق باشند و اگر هم مخالفند مخالف باشند

رئیس - آقای دستغیب (اجازه) دستغیب - بنده مخالفم . رئیس - میدانم بفرمایید دستغیب - البته تمام آقایان معنی حکومت ملی را می دانند داوول چیزیکه باید محل توجه فرار داد معنی حکومت ملی است یعنی در حکومت ملی احدی از افراد ملت را نباید استثناء کرد مگر همین عده را که در قانون انتخابات استثناء کرده است از قبیل نسون و اطفال غیرمیز و غیره حالا اگر بخواهند حق انتخاب کردن را بیک عده اشخاص باسواد و با ثروت بدهند و یک

عده ای را که سواد ندارند محروم کنند این را حکومت ملی نمی گویند و اگر با کمال نزاکت بخواهم اسمش را ادا کنیم آنوقت این حکومت را حکومت اعیانی و اشرافی می گویند بنده درست متوجه شده دیدم برای نوشتن سواد و عیب اظهار کردند و فرمودند که اگر سواد قید شود این دو عیب مرتفع می شود مثلا آقای شیخ العراقرین زاده فرمودند اگر سواد را قید نکنیم منافی است با مخفی بودن انتخاب بنده عرض می کنم اصلا فرض از خفا خواهد شد ولی خیر باین درجه که تصور فرموده اند نیست افلاطفال و نسون را کنار بگذارید اشخاصی که بیدل خودشان می آیند نه بزور اشخاص دیگر یعنی بعضی اینکه اعلان انتخابات را کردند بختیار خودش بگویند من بروم و او وکیل انتخاب نمایم در میان این اشخاص گمان میکنم که نصف شان سواد داشته باشند حالا می گویند که نصف دیگر این جمعیت سواد ندارند بنده عرض می کنم آنها اینکه بیدل خود می آیند یا تمام باسوادند یا نصف شان باسوادند پس هر گاه سواد را تعیین کنیم کسی را محروم کرده ایم آن کسی که خودش نمی آید آن کسی که او را بزور می آورند پس چه کسانی را محروم کرده ایم ؟ آن کسانی را که نمی آیند و رأی خودشان را نمی دهند اما اگر قید ثروت کنیم خواهند گفت که این قید خارج از اختیار است اگر کثرت جمعیت را بخواهم قید کنیم آنرا هم خواهند گفت خارج از اختیار است اما قید سواد ترغیب نمی کند که بروند و تحصیل سواد کنند و می توانند در ظرف سه ماه بروند سواد پیدا کنند که اسم خودشان را بتوانند بنویسند ولی عقیده بنده قید سواد خوب است برای این که با سواد می توانند انتخاب کنند و اگر مراد نداشته باشند نمی دانند چه اسمی را نوشته و با داده اند و اینکه آقایان میگویند اگر قید سواد کنیم انتخاب کننده کم می- شود و حق عموم محفوظ می ماند و منتخب عموم است و انتخابات هم صحیح است حالا اگر آقایان موافقت موافق باشند و اگر هم مخالفند مخالف باشند

رئیس - آقای دستغیب (اجازه) دستغیب - بنده مخالفم . رئیس - میدانم بفرمایید دستغیب - البته تمام آقایان معنی حکومت ملی را می دانند داوول چیزیکه باید محل توجه فرار داد معنی حکومت ملی است یعنی در حکومت ملی احدی از افراد ملت را نباید استثناء کرد مگر همین عده را که در قانون انتخابات استثناء کرده است از قبیل نسون و اطفال غیرمیز و غیره حالا اگر بخواهند حق انتخاب کردن را بیک عده اشخاص باسواد و با ثروت بدهند و یک

از اعضاء انجمن میگویند که این شخص را بکشید و خارجش کنید او را بیرون می کنند و این مطلب سبب میشود که مجلس شکایت می کنند و بنده در همین موقع بود که وارد آباده شدم آباده ها شروع کردند بگفتن یاره از مطالب و بنده قبل از اینکه وکیل الرها را ببینم در گوشه و اطراف تفحص کردم و سؤال کردم که ببینم وکیل - الرها یا چهار آدمی است همه میگفتند که این شخص ابتدا به ماوزر و هفت تیر عادت نکرده گذشته از این وقتی وکیل الرها را نزد من آوردند دیدم اصلا کوراست و عضا در دست دارد و دستش را گرفته اند حالا این چه ربطی بقانون انتخابات دارد که اصلا نفوذ میشود آیا اعمال نفوذ من قانون است ؟ خیر اعمال نفوذ بواسطه استبداد حکام است که هنوز جلو گیری از آن نشده است اعمال نفوذ از قانون نیست از این است که نظرات در اعمال حکام نمی- شود پس شکایات راجع باین است که می- گویند حق ملت محفوظ و محدود نیست پنجاه تا تفره میدهم دوست تا تفره می- دهم کدام است ؟ الان بنده یک تلگرافی با آقای رئیس تقدیم کردم که ببیند چه چیز است مامور انتخابات معین میشود برای چه برای اینکه ناظر باشد میگویم مگر حاکم در آنجا نمیتواند انجمن نظار را تشکیل بدهد جواب میگویند خیر ؟ چون بچه است در هزار نفره دوازده نفره پس اگر عقیده آقایان این است که از اعمال نفوذ جلو گیری می کنند و انتخابات را ساده و طبیعی قرار دهند این امری است که نه تنها در مملکت ما محال است بلکه برای تمام دنیا هم محال است چون سایر جاها هم همانطور که آقایان زنجانی فرمودند هر حزبی برای خودش انتخابات می کند و می خواهد کاندید خودش دارای اکثریت باشد پس این انتخاب ساده و طبیعی نیست اما اگر فرضشان این است که اعمال نفوذ بشود ولی برخلاف قانون نباشد موقعی که اعلان انتخابات می دهند باید مجلس ناظر باشد که در زراه اعمال نفوذ نکنند آنها را مجبور کنند که مطابق النمل بالنمل مواد قانون را اجرا کنند یعنی تفره را برای یک قره که چیز می فهمند محدود بیک مقدار قلبی نکنند یعنی دلش نخواهد یک وکیل درست کند که در مجلس حامی او باشد و تمام فجاج او را معر کند لذا فرض بنده این است که هر قدر آقایان بیشتر سعی نمایند قانون فعلی انتخابات را تجدید نمایند بیشتر سعی در خروج آن از عنوان حکومت ملی نموده اند و هر قدر جدیت نمایند از این قانون بهتر نوشته نمیشود زیرا اگر یک قدری بیشتر مذاکره شود بنده می گویم سن را باید پانزده سال تعیین نمود ولی خوب است همین حال فعلی باقی گذاریم و وقت مجلس را بیشتر صرف نگینم بعقیده بنده قانون انتخابات بهترین

رئیس - آقای دستغیب (اجازه) دستغیب - بنده مخالفم . رئیس - میدانم بفرمایید دستغیب - البته تمام آقایان معنی حکومت ملی را می دانند داوول چیزیکه باید محل توجه فرار داد معنی حکومت ملی است یعنی در حکومت ملی احدی از افراد ملت را نباید استثناء کرد مگر همین عده را که در قانون انتخابات استثناء کرده است از قبیل نسون و اطفال غیرمیز و غیره حالا اگر بخواهند حق انتخاب کردن را بیک عده اشخاص باسواد و با ثروت بدهند و یک

امطاس بگیرند رئیس - آقایان دستغیب با قریب دست غیب این کلمه را بر سبیل مثال عرض کردم پس فرض این است که قانون انتخابات نقص ندارد من عقیده ام این است که اگر بخواهند ببنوان تهدید ماده بر این قانون اضافه کنند از عنوان حکومت ملی خارج میشود و عنوان حکومت اشرافی و اعیانی میشود و بنده فرمایش حضرت والا را تقدیس می کنم که فرمودند اشخاصیکه پانزده سالگی میرسد باید حق انتخاب کردن داشته باشند زیرا اشخاص پانزده ساله بالغ و بقاعده و میزند و باید داخل در جریانات امور ملی شوند این مطالب راجع بود بشرایط انتخاب کنندگان و اما راجع بانقلاب شوندگان هم عرض میکنم علت اینکه انتخاب دودرجه مبدل بیک درجه شده چه بود ؟ برای این بود که اعمال نفوذ در دودرجه بیشتر میشد نفوذ میشد ولی در درجه دوم آن عده ممکن بود شخصی را که دارای رأی کمتر است انتخاب نمایند برای اینکه می گفت این شهری است و ببرد من میخورد و همینکه انتخابات درجه اول تمام میشود شروع اعمال نفوذ می کردند برای اینکه در میان دوازده نفره پانزده نفر بهتر میشد اعمال نفوذ کرد تا در هزار نفره دوازده نفره پس اگر عقیده آقایان این است که از اعمال نفوذ جلو گیری می کنند و انتخابات را ساده و طبیعی قرار دهند این امری است که نه تنها در مملکت ما محال است بلکه برای تمام دنیا هم محال است چون سایر جاها هم همانطور که آقایان زنجانی فرمودند هر حزبی برای خودش انتخابات می کند و می خواهد کاندید خودش دارای اکثریت باشد پس این انتخاب ساده و طبیعی نیست اما اگر فرضشان این است که اعمال نفوذ بشود ولی برخلاف قانون نباشد موقعی که اعلان انتخابات می دهند باید مجلس ناظر باشد که در زراه اعمال نفوذ نکنند آنها را مجبور کنند که مطابق النمل بالنمل مواد قانون را اجرا کنند یعنی تفره را برای یک قره که چیز می فهمند محدود بیک مقدار قلبی نکنند یعنی دلش نخواهد یک وکیل درست کند که در مجلس حامی او باشد و تمام فجاج او را معر کند لذا فرض بنده این است که هر قدر آقایان بیشتر سعی نمایند قانون فعلی انتخابات را تجدید نمایند بیشتر سعی در خروج آن از عنوان حکومت ملی نموده اند و هر قدر جدیت نمایند از این قانون بهتر نوشته نمیشود زیرا اگر یک قدری بیشتر مذاکره شود بنده می گویم سن را باید پانزده سال تعیین نمود ولی خوب است همین حال فعلی باقی گذاریم و وقت مجلس را بیشتر صرف نگینم بعقیده بنده قانون انتخابات بهترین

قوانین است که نوشته شده و نقش در او نیست
نقص در اعمال نفوذ حکام است این بود
هر ایش بنده دیگر بیشتر نمی گویم
رئیس - عجالتاً چند دقیقه تنفس
میشود
(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل
و پس از نیم ساعت مجدداً
تشکیل گردید
رئیس - آقای عماد السلطنه موافقت
یا مخالف

عماد السلطنه - موافقت

رئیس - آقای رفعت الدوله جلوسور

رفعت الدوله - مخالف

رئیس - بفرمائید

رفعت الدوله - عقبه بنده در باره

منتخب همان است که آقای زنجانی فرمودند
و عقیده ام این است که منتخب باید سواد
داشته باشد ام از اینکه تمام یمن مخالف
باشند زیرا بنده آدمی را که سواد ندارد
صاحب رای خودش نمی دانم عقیده بنده این
است و در اظهار آن هم آزادم زیرا در دو
جاه حکومت داشته ام و وکیل انتخاب نموده ام
و می بینم چگونه مردم را مجبور می آورند
و از آنها رای می گیرند بنا بر این بنده
مخالف با قانون فعلی هستم حالا اگر در
صاحب رای خودش نمی دانم عقیده بنده این
است و در اظهار آن هم آزادم زیرا در دو
جاه حکومت داشته ام و وکیل انتخاب نموده ام
و می بینم چگونه مردم را مجبور می آورند
و از آنها رای می گیرند بنا بر این بنده
مخالف با قانون فعلی هستم حالا اگر در

اقلیت با هم عیبی نیست بنده عرض می کنم
اگر حالا آقایان عقیده ندارند لا اقل
برای دودره دیگر رای بدهند و سواد را
شرط کنند زیرا این خود یک ترویجی است
که در معارف مملکت میشود یک تابیدی
است برای اصل ۱۹ قانون اساسی که می-
گوید تحصیل باید اجباری باشد و بالاخره
این خود یک نوع امتیازی برای مردم خواهد
بود بنده عقیده دارم که اگر شخصی صد
هزار تومان مکت داشته باشد ولی عاری از
سواد باشد نباید رای بدهد و نیز عقیده دارم
مصلحت مدارس در سن یازده سالگی باید
رای بدهند زیرا خداوند و شارع مقدس
مال آنها را بعد از آن تقویض نمود در همین
هم همینطور است بنده خود مدتها در همین
کار بودم یعنی طفل که بعد بلوغ می رسد از
اواملیات سرشاری می گرفتند البته در صورتی
که شخص مالیات می دهد و حقوقش هم بقوش
تقویض میشود نباید از حق انتخاب محروم
باشد لذا بنده پیشنهاد می کنم سن هان
بیست سال باشد ولی اشخاص تحصیل کرده
و باسواد از سن یازده سالگی مجاز بدانند
رای باشند اشخاصی که یازده و شانزده سال
تا بیست دارند و سواد ندارند از حق انتخاب
محروم باشند تا مردم رفعت تحصیل کنند
و تمام سواد پیدا نمایند شاید در چند دوره
دیگر کاملاً بفرمند که را انتخاب نمایند
اقدام دیگری که مجلس باید در نظر بگیرد
همان دادن حق انتخاب با اشخاص یازده
ساله با سواد است و عقیده ندارم که طفل
یازده ساله با سواد حق انتخاب داده شود
زیرا در پنجاه ساله بی سواد هم مشکوکم تا

چهار صد پنجاه ساله این راهم باید دانست که
وقتی می گوئیم سواد شرط باشد لازم نیست
اصول کافی راهم بدانند بلکه فقط همان نوشتن
اسم حسن و حسین و غیره کافی است همین
قدر بتواند چیزی را که می نویسد بخواند
حالا دیگر آقایان مختارند و اگر با بنده
مسامحت فرمایند خیلی بجا خواهد بود
(بعضی گفتند مذاکرات
کافی است

رئیس - رای میگیریم آقایانی که

مذاکرات را در این خصوص کافی میدانند

قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است دو فقره

پیشنهاد رسیده است قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم بهر بالغ رشیدی

حق انتخاب داده شود

مرتضی

محمد هاشم میرزا - حاج میرزا

مرتضی

حائری زاده - پیشنهادی می نماید

که علاوه بر حدود یک در قانون انتخابات

فعلی معلوم شده مراکز حوزه انتخابیه

متخصص باشد بنقاطیکه دارای مدرسه شش

کلاس ابتدائی میباشد

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا

توضیحی دارید بفرمائید

محمد هاشم میرزا - بنده تصور

میکنم یک اشتباهی برای آقایان

دست داده است البته چون

شانزده سال بیشتر از عمر شرط نیست

گذرد این است که ما با اساس آن انس

نگرفته ایم آقایان می فرمایند که ما این حق

را با اشخاص بدبخت می دهیم؟

بلی در شانزده سال قبیل مرحوم

مظفرالدین شاه دستخط مشروطیت را

صادر نمود بواسطه اوضاع زمان مقتضی

بود یک طبقه حق انتخاب داده شود و طبقه

دیگر داده نشود چنانکه در دوره اول

فقط حق انتخاب مخصوص طبقات ششگانه

بود و بهمان اندازه هم مردم منکر شدند

لکن بعد از شانزده سال خیلی فریب است

که ما تازه بگوئیم این حق را بدبخت

یا ندبخت؟

اساساً تمام کسانی که در این مملکت

موجودند حق انتخاب دارند یا خانه یا ملکی

که بین چند نفر شریک مشاع باشد همین

که بخواهیم تعمیری در آن بنمائیم مجبوریم

از کلیه شرکاء (مادام که صغیر و مجنون

نباشند که در آن صورت حکم جدا گانه

داند) کسب رای نمایند بنابراین ما نمی

توانیم به اهالی یک مملکت که در نفع و

ضرر مملکت هر یک بگوئیم که حق انتخاب

دارد و کی ندارد مگر اینکه عدم قابلیت

آنها را در آن حق ثابت و مدلل نمائیم

است و باین ترتیب وقتی کلیه محرومین
از حق انتخاب را حساب کنیم صد و پنجاه
هزار نفر بیشتر نخواهند بود اما راجع
به سن بنده همین سن ۲۱ را در ایران
منطقی نمی دانم این ترتیب اساساً در فرانسه
مرسوم است و آنهم بواسطه این است که
آنجا اساس تحصیلات را طوری قرار داده اند
که شخص در بیست و یک سالگی فارغ
التحصیل می شود و شرایطی برای دخول
او در خدمت دولتی معین می شود ولی در
در ایران که شخص بعد از آنکه بسن
یازده سالگی رسید بالغ و رشید می شود
و مسئول زندگی گمانی خودش می گردد دلیل ندارد
ما همان ترتیب فرنگستان را قرار بدیم و
بگوئیم چون این طرز انتخاب از اروپا
رسیده است باید تمام مواد آن طبق التمثل
و بالتثل موافق قوانین آنها باشد و غیر
همانطور که طفل بالغ رشید حق تبعیت
و تعیین خلیفه را دارد حق انتخاب هم دارد
و اگر هم برای نفهمی اطفال است خیلی
اتفاق می افتد که اشخاصی خیلی مسن چیز
نمی فهمند بنابراین شرط سواد مقدم بر
همه چیز است ولی آن راهم در ایران نمی
شود شرط قرارداد زیرا اگر این شرط
را قرار بدیم عده منتخبین در مملکت به
دو دست هزار نفر بالغ نخواهد شد و آنقدر
سواد راهم که آقایان عقیده دارند فقط
بتواند اسم حسن و حسین را بنویسد کافی
برای انجام این مقصود نیست زیرا اگر
امضای اسم کافی باشد ممکن است آن را
در طرف چند روز تعلیم بدهند و اگر بنا
شود آن سواد که لازم است قید شود آن
وقت باید اکثریت اهالی مملکت را از حق
انتخاب محروم نموده و این مطلب هم گمان
نمیکنم مطابق صلاح مملکت باشد بنابراین
بعقیده بنده باید تقدماً قانون انتخابات را
دست نزد فیروز همین قسمتی که بنده منطقی
برای آن نمی بینم زیرا در این چند روز
هر قدر آقایان برای آن دلیل آوردند
بنده واقفان نبودم و نمیدانم مأم طفل یازده
ساله را مکلف و بالغ می دانند بنده هم هیچ
اختلافی بین تک مال - حق انتخاب نمی-
بینم و راجع به باقی مطالب هم در شور دوم
نظریات خود را عرض خواهم کرد

رئیس - کیسیون همین که

حالا رای گرفته شود

رئیس - کیسیون مراجع به مجلس

نموده است و باید تکلیفش معین گردد رای

دیگران پایمال شود بنابراین ما نباید

استفاده نمائیم باین جهت با آنها این حق

داده نشد تبه خارج را نیز با وجود

اینکه در این مملکت حق حیات دارند

و نفع ضرر مملکت با آنها هم راجع می

شود ضرر معروم نموده اند برای آنکه ممکن

است در سایه شرکت دادن با آنها حقوق

دیگران پایمال شود بنابراین ما نباید

استفاده نمائیم باین جهت با آنها این حق

داده نشد تبه خارج را نیز با وجود

اینکه در این مملکت حق حیات دارند

و نفع ضرر مملکت با آنها هم راجع می

شود ضرر معروم نموده اند برای آنکه ممکن

است در سایه شرکت دادن با آنها حقوق

دیگران پایمال شود بنابراین ما نباید

استفاده نمائیم باین جهت با آنها این حق

داده نشد تبه خارج را نیز با وجود

اینکه در این مملکت حق حیات دارند

و نفع ضرر مملکت با آنها هم راجع می

شود ضرر معروم نموده اند برای آنکه ممکن

است در سایه شرکت دادن با آنها حقوق

دیگران پایمال شود بنابراین ما نباید

استفاده نمائیم باین جهت با آنها این حق

داده نشد تبه خارج را نیز با وجود

اینکه در این مملکت حق حیات دارند

و نفع ضرر مملکت با آنها هم راجع می

شود ضرر معروم نموده اند برای آنکه ممکن

است در سایه شرکت دادن با آنها حقوق

دیگران پایمال شود بنابراین ما نباید

استفاده نمائیم باین جهت با آنها این حق

داده نشد تبه خارج را نیز با وجود

اینکه در این مملکت حق حیات دارند

و نفع ضرر مملکت با آنها هم راجع می

شود ضرر معروم نموده اند برای آنکه ممکن

است در سایه شرکت دادن با آنها حقوق

دیگران پایمال شود بنابراین ما نباید

استفاده نمائیم باین جهت با آنها این حق

داده نشد تبه خارج را نیز با وجود

اینکه در این مملکت حق حیات دارند

و نفع ضرر مملکت با آنها هم راجع می

شود ضرر معروم نموده اند برای آنکه ممکن

است در سایه شرکت دادن با آنها حقوق

دیگران پایمال شود بنابراین ما نباید

باسم آزادی حقوق عامه حق عامه را
تخصیص نمائیم » راجع بانجم نظارت هم
باید دانست انجم نظارت در هر شهر
و بلوکات تشکیل میشود و قانون پیش
بینی نموده است که در هر حوزه حکومت
نشین یک انجم نظارتی تشکیل شده و
شعب آن در نواحی جزء تاسیس میشود
علت اینکه از طرف انجم مرکزی باید
نمایند برای انجم نظارت جزء فرستاده
شود چیست برای اینکه بسا بلوکات است
که بنده انجم نظارت آدم با سواد در
آنجا نیست آنوقت مجبور میشوند یک
معلم بفرستند و طریقه تشکیل انجم و
تهیه دفاتر را دستور بدهند و اهالی فلان
بلوک که شاید عده شان به ده هزار نفر
بالغ میشود مابین آنها هیچ با سواد نیست
و چون هنوز این حق را پیدا ننموده اند
که برای حفظ حقوق خودشان این زحمت
را متحمل میشوند آلت ملایمه منتقدین مجلس
خواستند ششولگی اگر انجم نظارت را در
تفاقی تشکیل دهیم که لا اقل چند مدرسه
شش کلاسه ابتدائی داشته باشد آنوقت
رعایا خواهند توانست آراء خودشان را
در نزد شاگردان این مدارس برده
بنویسند و هیچ قانون فعلی این است که
یک طبقه چند هزار رای فلان بلوک ضمیمه
که در نتیجه مبارزه فکری احزاب سیاسی
تشکیل شده میشود و در نتیجه فلان ملک
متنفذ انتخاب میگردند بنا بر این بنده عقیده
دارم اگر انجم نظارت را منحصر به
تفاقی که مدرسه ابتدائی در آنجا نیست
نمائیم انتخابات را محدود نکرده ایم و در
آیه هم مردم به حالت فعلی باقی نخواهند
مانده دولت کمک خواهد کرد و هم
مردم خودشان می آیند و تاسیس مدارس را
فراهم می آورند و بحق خودشان آگاه
خواهند شد ما امروز از انتخابات عمومی
و مستقیم سوه استفاده می کنیم و نتایج
غیر مطلوبه از آن گرفته میشود ولی ده
سال بیست سال دیگر که این ملت لایق
انتخابات عمومی و مستقیم شد یعنی عموم
اشخاصی که در قراء و قصبات زندگانی
میکنند با اصول مشروطیت آشنا شدند
وسائل انتخاب عمومی هم فراهم خواهد شد
بنابراین اگر فعلاً شرایطی را که عرض
کردم قید نمائیم آنوقت اگر بازم منتقدین
خواستند استفاده نمایند لا اقل یک مدرسه
در آن بلوک تشکیل خواهند داد و در
این صورت هم اگر کاندید آنها انتخاب
شود باز شود باز منتفع تاسیس مدرسه
آن ضرر نمایندگی اش را جبران خواهد
نمود .

و دیگر اینکه گفته میشود اگر فلان

شرط را قرار دهیم برخلاف انتخابات

عمومی است و سیر فقهراتی نموده ایم بنده

مخالفم زیرا هر وقت ما راه غلط رفتیم باید

برگردیم آن روز که این قانون نوشته

شده از روی احساسات وضع شده و از روی

قانون اروپا نوشته اند البته در اروپا که

مدتی با اصول مشروطیت عادت کرده اند

و تمام وسائل آن فراهم است انتخابات

مستقیم و عمومی بهتر است ولی بازندگانی

امروزی ما مناسب ندارد باین جهت بنده

در صورتیکه مجلس و کمیسیون موافقت

کند پیشنهاد میکنم انجم نظارت در

تفاقی تشکیل شود که مدرسه ابتدائی در

آن نقطه باشد تا رعایا مجبور نشوند برای

نوشتن رای خود بهمان دو نفر ریش سفید

و ملاک مراجعه نمایند تا آنها هر چه

بخواهند بنویسند .

رئیس - آقای فهیم الملک - عضو

کمیسیون هستند؟

فهیم الملک - بلی

رئیس بفرمائید .

فهیم الملک - پیشنهاد آقای

حائری زاده را تقریباً میتوان گفت مثل

این است که مدتی امور مشروطیت موقوف

بماند زیرا اگر دولت در یک تقاضی مدارس

ابتدائی تشکیل ندهد تصور مردم چیست

بلاوه مدارس شش کلاسه عجالتاً تا یک

مدتی در مراکز عده تشکیل خواهد شد

بنده نمیدانم آن مردم بلوک و قصباتی که

هنوز مدارس مقدماتی یک کلاسه هم ندارند

چه باید بکنند بنده تعجب میکنم در یک

موقعی آقای حائری زاده بقدری آزادی

شوند که حتی بوزارت خانها هم قائل نمی

شوند و در موقع دیگر راجع با اساس

انتخابات بقدری محدود میشوند که می شناسد

انتخاب کنندگان را نوشت .

این مذاکراتی که راجع بسواد

شد تمام برای همین بود که امروز ما

نمی توانستیم یک شرایطی که هنوز

وسایلی فراهم نیست انتخاب کنندگان را

محدود نمائیم همانطور که کمیسیون با

بعضی از قسمتها موافقت نکرد با این

پیشنهاد هم موافقت نخواهد کرد .

حائری زاده - اجازه بفرمائید

چون در عرض بنده سوه تغییر شده است

توضیحی که لازم است کنم .

رئیس - بفرمائید .
حائری زاده - ایشان فرمودند
ممکن است در بعضی نقاط دولت مدرسه
شش کلاسه تاسیس نماید بنده عرض نکردم
حتماً دولت باید تاسیس نماید ممکن است
ارباب یا خود رعایا تاسیس نمایند کما
اینکه اگر احصائی مدارس طهران را
ملاحظه کنیم می بینیم مدارس ملی آن
زیاد تر است .

رئیس - رای می گیریم به قابل

توجه بودن پیشنهاد آقای حائری زاده

آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهادی

از طرف آقای ملک الشمرای رسیده است

قرائت میشود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم برای اینکه هم

از حقوق عمومی کاسته شود و هم نفوذ

ملاکین و شهرها نگرند با اصلاح جدول

انتخابات نمایندگان را بین شهر و بلوکات

بطرز خاصی تقسیم نمایند .

ملک الشمرای

رئیس - آقای ملک الشمرای توضیح

دارید؟

ملک الشمرای - بلی بنده اساساً با طرز انتخابات

فعلی از نقطه نظر مسلسلی موافقم ولی عملاً

از چندین نوبت که نزدیکتر بحیران انتخابات

بوده ام بمن ثابت شد که با طرز فعلی بکندری

مشکل است منافع طبقه اکثریت یعنی سواد

اعظم محفوظ بماند در کمیسیون هم خیلی

مذاکره شد و بنده یکی از موافقین قانون

فعلی بودم و باینکه بنده میدانستم طرز

فعلی قانون انتخابات تا حدی حفظ منافع

عامه را از عامه سلب نمینماید ولی چون راه

حلی برای جلوگیری از این مهلکه پیدا

نکرده بودم این بود که تا حدی جزو موافقین

قانون فعلی بودم لکن در نتیجه یک مذاکرات

طولانی و مطالعات هدیده دیگران بگراه

حلی برای بنده پیدا شد که مجبور شدم

بطرز پیشنهاد برخی آقایان برسانم ما باید

تعلیق کنیم که چه اعتراض بقانون فعلی

داریم .

فساد قانون فعلی تنها این نیست که

هزارها اشخاص باسواد آلت دست ملاکین

و منتقدین می شوند بلکه فسادهای دیگری

از قبیل طرز انتخاب هیئت نظار و مداخله

حکام و مأمورین دولت و بالاخره تهدید و

تطبیع و وسوسه های جاریه دارد که ممکن

است قسمتی از آنها را در خود کمیسیون

اصلاح کنیم مثلاً راجع باین مسائل کمیسیون

تصمیمی اتخاذ خواهد کرد

یکی راجع بطرز انتخاب هیئت نظار

که ترتیبی اتخاذ شود که هیئت نظار از

طرف عموم معین شود تا حکام نتوانند

اعمال نفوذ نمایند ما راجع به انتخاب

آن بنظر من خرید و با آقایان هم در این
زمینه مذاکراتی کردم لکن خیلی متاسف
که چرا در این مذاکره را کردم و
نتوانستم زمینه روشن در مجلس تهیه کنم
مهلاً مجبورم با زبان الکن خود باز
مذاکراتی بنمایم و امیدوارم این پیشنهاد از
طرف مجلس قبول شود
آقایان ملاحظه فرموده اند یکی از
فرادهائی که همیشه از حلقوم طرفداران
شرط باسواد برای رای دهنده خارج میشود
این بوده است که دهائی های بی سواد
در نتیجه تحریکات و نفوذ اربابهای خودشان
بواسطه اکثریتی که دارند همیشه در
بلوکات آمده و آراء یکمده متفکرین
و باسوادهای شهری را که تا حدی از روی
علم و اطلاع بکاندید خودشان رای میدهند
پایمال نمود و آنها را معوم نموده اند .
در طهران هم دیده ام وقتی آراء قراء
اطراف می آمده است در آن روز یکمده
جدول منتخبین عوض می شد و درجات بکلی
بالا و پائین می آمده است
پس باید فکری کنیم که از طرفی
عمومیت را از انتخابات سلب کرده یعنی
این خیانت را مرتکب نشده باشیم و سواد
اعظم جامعه را از حق رای دادن محروم
نکرده باشیم و از طرف دیگر این مهلک کلی
را رفع کرده باشیم یعنی منتخبین و کلای
هر حوزه را بین شهر و دهات را تقسیم
نمائیم

باین ترتیب اگر فلان ولایت چهار

نمایند بایستی بدهد یکقسمت از نماینده

ها را مخصوص شهری کنیم یعنی یک هیئت

نظار برای شهر یک هیئت نظار هم برای

بلوکات و اطراف شهر تشکیل بدیم و کلای

آن حوزه را هم یک عده شانرا مخصوص

شهر قرار بدیم و عده دیگر را مختص به

بلوکات نمائیم تا شهری با بصیرت و سواد

که دارد بدون اینکه دغدغه داشته باشد

که فلان ارباب یا ملاک در بنایهای بی سواد

را خواهد آورد و آراء شهری را باطل

<

بام و بالاخره بواسطه اضافه کردن بیست نفر برعهده نمایندگان این اشکالات را رفع نموده

بعلاوه این اشکالات را هم چندان اهمیت ندارد که جلوی این اصلاح بزرگ را بگیرد

بعقیده بنده همده اشکال در اصل این مسئله است و اگر باین قضیه رأی بدهیم از تمام مقاصد و اشکالات متصوره راجع با اکثریت بی سوادان کمی نویسیم و حق هم داریم جلوگیری کرده ایم بازم تکرار می کنیم چون با بعضی از آقایان مذاکره و صحبت شده است و این نظریه بنده را پسندیده اند اگر صلاح می دانند از طرف آقای رئیس اجازه داده شود که آقایان دیگر هم در این زمینه صحبت بفرمایند چون کمیسیون این مسئله را به مجلس مراجعه کرده و چون کمیسیون مدافع خاصی ندارد و نمی تواند بعضی پیشنهادات را قبول کند

این است که بنده استدعا میکنم از همدک سائر آقایان هم غیر از اعضا کمیسیون در این زمینه صحبت نمایند شاید این پیشنهاد مورد قبول واقع شود

بعقیده بنده این طریق یک طریق اصلی است و از غالب مقاصد جلوگیری می کند و هیچ سیر قهرانی هم ندارد و بالاخره بی سواد ها را از حق انتخاب محروم نمی کند و راه با سوادها هم از معبود شدن در تحت تلاطم اراخ بی سوادان نجات می دهد و امیدوارم آقایان هم مساعدت فرمایند تا مورد قبول واقع شود

رئیس - آقای فهیم الملک (اجازه)

فهیم الملک - آقای ملک الشمره خودمان مخبر کمیسیون هستیم و مستعزفند که یکی از مسائل را که کمیسیون تجدید نظر در انتخابات خیلی با اهمیت داده و می دهد همان طرز تقسیم حوزه بندیهای انتخابیه است

طرزی که فعلا در قانون انتخابات می باشد نواقص زیاد دارد و کمیسیون هم در نظر دارد که این فهرست حوزه های انتخابیه را تغییر بدهد و همینطور کفرمودند در کمیسیون این طور مذاکره شد که تقسیمات حوزه های بلوکات و غیره را طوری قرار داد که برای انتخاب سهل تر باشد و در رأیورتنی هم که کمیسیون تقدیم داشته است راجع به حوزه های انتخابیه چیزی ذکر ننموده بجهت آنکه خود کمیسیون این نظریه را داشت و چیزی نبوده که محتاج برای مجلس باشد

حالا بنده نظر آقایان را نمی دانم که میل دارند این مسائل در مجلس مطرح شود و یا در کمیسیون و بنده با فرمایش ایشان اساساً موافق

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده عضو کمیسیون هستم ولی اگر اجازه بفرمایند این پیشنهاد مطرح شود هریض خودم را عرض کنم والا فلا

رئیس - بنده نباید اجازه بدهم نظام - نامه تکلیف را همین نموده آقای زنجانی عضو کمیسیون هستند؟

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بلی بنده عضو کمیسیون هستم عرض کنم آن روز که این کمیسیون این را بورت را تقدیم مجلس نمودی دانست که در ضمن شوردرد مواد قبل چیزهایی از قبیل تشکیل انجمن و جدول بندی حوزهها و غیره باید اصلاح شود و لکن مربوط بنده امروزی نیست فقط باید در مجلس راجع به تجدید تمهیدات انتقابات مذاکره ورأی گرفته شود و الا راجع بسایر چیزها البته در کمیسیون رسیدگی خواهد شد

ملک الشمره - بنده پیشنهاد خود را پس می گیرم و محتاج به رأی نیست

رئیس - پس مذاکرات راجع به انتخاب کنندگان تمام شد راجع به انتخاب شوندگان در جلسه آتییه مذاکره خواهد شد

آقای رکن الملک از آقای وزیر عدلیه سؤالی دارند؟

رکن الملک - سؤال بنده از آقای وزیر عدلیه در دو موضوع است یکی راجع به تشکیلات حوزه وزارت عدلیه و معاکم تا به است دیگری راجع بودایع استیفا و تمیزی است سؤال راجع به تشکیلات وزارت عدلیه را به ۳ قسمت تقسیم می کنیم که برای هر یک جوابی بفرمایند:

قسمت اول راجع به تشکیلات وزارت عدلیه و معاکم است چون آقای وزیر عدلیه در مجلس اظهار فرمودند که تکلیف من اجرای قوانین مدونه است و البته همینطور هم باید باشد

اولا بنده سؤالی می کنم که آیا تشکیلات فعلی وزارت عدلیه در حدود همین قانون تشکیلات است یا نظریات دیگری هم حکم فرمائی باشد؟

قسمت دیگر راجع به معاکم صلح است از فراریکه شنیده ام آقای وزیر عدلیه معاکم صلح را از اول حمل در تمام ایالات و ولایات تعطیل نموده اند و در بودجه هم که به مجلس شورای ملی تقدیم نموده اند برای معاکم صلح هیچ معنی را هم منظور نداشته یعنی (ذکر کرده اند) از حدود چهارصد هزار تومان بیشتر اعتبار داده نشود ممکن است معاکم صلح

تشکیل بدهند و الا دیگر در ولایات معاکم صلح دایر نخواهد بود

بنده سؤال می کنم که فعلا راجع به دعاوی که مقدار مدعا به آن کمتر از دوست و پنجاه تومان است چگونه رسیدگی می شود؟

مثلا در تبریز که معاکم ابتدائی هست و لکن محکمه صلح نیست فعلا مرجع دعاوی دوست و پنجاه تومان کجا است و کدام محکمه رسیدگی میکند؟ قسمت سوم - سؤال بنده راجع به عدلیه هائی است که بوده نداشته و فعلا از طرف آقای وزیر منحل شده است حالا در این مسئله که این قضیه مثلا یک اشکالات دیگری در ولایات تولید خواهد کرد صرف نظر نشود و سؤال میکنم در معاکم هائی که عدلیه نیست مرجع نظم اهالی کجا است؟ وجه شکل دعاوی آنها قطع و فصل خواهد شد؟ قسمت چهارم سؤال بنده راجع بقضاتی است که از سنه ۱۳۳۲ داخل در خدمت وزارت عدلیه شده اند و آقای وزیر آنها را از امتحان مستثنی نموده اند سؤال می نمایم که آیا آن قضات مقامشان محفوظ است و مثل قضات مملکت مقامشان متزلزل نخواهد بود یا اینکه نسبت به آنها هم همان نظریاتی که نسبت به امتحان شدگان اتخاذ میشود منظور خواهد بود؟ سؤال دیگر بنده راجع بودایع استیفا و تمیزی است از فراری که بنده شنیده ام یک مبلغ زیادی عدلیه مرکزی بوده است و نسبت بآن دستبرد هائی شده و گویا مقداری از آن حیث و میل شده است ولی بنده اطلاع قطعی در این باب ندارم همینقدر شنیده ام این است که از آقای وزیر عدلیه سؤال میکنم آیا در این تحقیقاتی نموده اند و دفاتر راجع باین قسمت را ملاحظه فرموده اند یا خیر؟

وزیر عدلیه - قبلا لایحه قانونی پروتست بچهارا که از طرف وزارت عدلیه تهیه شده تقدیم مجلس شورای ملی نموده و بعد جواب سؤال آقای رکن الملک را عرض میکنم نماینده معترم سؤال فرمودند که آیا تشکیلات وزارت عدلیه مطابق قوانین است یا نه؟ جواب عرض میکنم مسلم است تشکیلات فعلی مطابق قانون است سؤالی دیگرشان این بود که معاکم صلح چه راجع شده و آیا دعاوی که در حدود صلاحیت معاکم صلح باشد یعنی کمتر از دوست و پنجاه تومان باشد در کجا باید رسیدگی شود جواب قسمت اول عدم کفایت بودجه اعتباری است که برای وزارت عدلیه تصویب شده است ولی قسمتی که فرمودند بنده در بودجه پیشنهاد کرده ام صحیح نیست بنده چون معاکم صلح پیشنهاد کرده ام در کمیسیون بودجه هم تصویب شده قسمت دوم که راجع به دعاوی کمتر از دوست و پنجاه تومان که بنده میدانم چه اشکالی

خواهد بود و کجای قانون ذکر کرده است دعاوی را که ممکن است بصلحیه هاراجع شده معاکم ابتدائی رجوع نمایند و بلی عکس این مسئله است یعنی نیشوردهای بالاتر از دوست و پنجاه تومان را که از خصائص معاکم ابتدائی است بمعاکم صلح رجوع کرد لکن تمام دعاوی که در حدود صلاحیت صلحیه ها است ممکن است بمعاکم ابتدائی رجوع شود معانی هم ندارد و فقره سؤالیشان این بود که چرا عدلیه های بی بودجه را حذف کردند و ضمناً فرمودند این کار خوب نبوده است بلی اینجا یک اختلاف نظری بین بنده و آقای رکن الملک موجود است بعقیده بنده معاکم بدون بودجه نه تنها نافع میشود بلکه مضر هم بود چون مجبور بودند برای خودشان کار پیدا کنند و معاکم ارزانی تهیه نمایند انسان خوب است یا یک چیزی را نداشته باشد یا اگر داشته باشد کارمش را دارا باشد باین جهت دولت باید بتناسب عایدات خودش متدبراً بترتیب الاموال هم در جاهائی که مقتضی و لازم می شمارد معاکمی که از هر حیث چه از حیث بودجه چه از حیث قضات معاکم باشد تشکیل بدهد که امید وارم بهمان تناسبی که ممکن است در عایدات دولت توسعه پیدا شود بهمان تناسب در سال های آتی در نقاط مختلفه معاکم قضائی تهیه نمایم پس در این صورت نظر بنده مخالف بانظر آقای رکن الملک است و من معاکم معانی غیر موظف را نه تنها نافع میدانم بلکه مضر میدانم و اما اینکه فرمودند در جاهائی که این معاکم منحل شده مردم چه خواهند کرد بنده عرض می کنم اهالی ولایاتی که در این مدت معاکم نداشته اند چه میکنند؟ این نقاط هم حالا همان کار را میکنند یعنی بیک ترتیبی یا بواسطه معاکم شرعی یا بطریق حکمیت و غیره رفع احتیاج خودشان را می کنند و بالاخره یک مسئولیتی در این خصوص متوجه من نیست من فقط مسئولیت رکن الملک بنده میتوانم حتی ارقام قطعی میزان و دایره را هم بایشان عرض کنم فعلا مبلغ موجودی (۷۰۶۹۲۳) قران هفتصد و پنجاه دینار است که یک قسمت آن در بانک و وزارت مالیه و مبلغی در خود صندوق و قسمتی هم در بانک تجارتان دیگر است البته یک نکته مهم دیگر هم هست که بایست عرض کنم و آن این است که اشخاص متفرقه آمده و صندوق و دایع باعتبار امضای آنها قبوض از آنها قبول کرده و خود بنده مرتکب چنین تقصیری نشده و نقدین کردم قبوض اشخاص را قبول نکنند اگر چه با بجران پولی امروزه و بجران تجارتی کدر این مملکت است اجرای این ترتیب فوق العاده مشکل است و اگر ما بقواهم در این اصل جمود کنیم مستلزم این است که حقوق یک عده ذی الحقوق از بین برود بنابراین بنده شخصاً خیال می کنم بهتر این است که وزارت عدلیه مادام که این بجران

مقابل آن حکم دیگر چون بطور کلی شرط ضرورت در عدلیه بطریق فقره چهارم از ماده ۱۴۷ قانون تشکیلات وزارت عدلیه دادن امتحان است و همچنین در موقعی که از اعضای عدلیه تقصیراتی سر میزند باید به مجلس مشاوره عالی تشکیل و پس از معاکم هر مجازاتی را که مجلس مشاوره عالی معین نماید اجرا شود باین مناسبت نسبت باشخاصی که رجوع شود معانی هم ندارد و فقره سؤالیشان این بود که چرا عدلیه های بی بودجه را حذف کردند و ضمناً فرمودند این کار خوب نبوده است بلی اینجا یک اختلاف نظری بین بنده و آقای رکن الملک موجود است بعقیده بنده معاکم بدون بودجه نه تنها نافع میشود بلکه مضر هم بود چون مجبور بودند برای خودشان کار پیدا کنند و معاکم ارزانی تهیه نمایند انسان خوب است یا یک چیزی را نداشته باشد یا اگر داشته باشد کارمش را دارا باشد باین جهت دولت باید بتناسب عایدات خودش متدبراً بترتیب الاموال هم در جاهائی که مقتضی و لازم می شمارد معاکمی که از هر حیث چه از حیث بودجه چه از حیث قضات معاکم باشد تشکیل بدهد که امید وارم بهمان تناسبی که ممکن است در عایدات دولت توسعه پیدا شود بهمان تناسب در سال های آتی در نقاط مختلفه معاکم قضائی تهیه نمایم پس در این صورت نظر بنده مخالف بانظر آقای رکن الملک است و من معاکم معانی غیر موظف را نه تنها نافع میدانم بلکه مضر میدانم و اما اینکه فرمودند در جاهائی که این معاکم منحل شده مردم چه خواهند کرد بنده عرض می کنم اهالی ولایاتی که در این مدت معاکم نداشته اند چه میکنند؟ این نقاط هم حالا همان کار را میکنند یعنی بیک ترتیبی یا بواسطه معاکم شرعی یا بطریق حکمیت و غیره رفع احتیاج خودشان را می کنند و بالاخره یک مسئولیتی در این خصوص متوجه من نیست من فقط مسئولیت رکن الملک بنده میتوانم حتی ارقام قطعی میزان و دایره را هم بایشان عرض کنم فعلا مبلغ موجودی (۷۰۶۹۲۳) قران هفتصد و پنجاه دینار است که یک قسمت آن در بانک و وزارت مالیه و مبلغی در خود صندوق و قسمتی هم در بانک تجارتان دیگر است البته یک نکته مهم دیگر هم هست که بایست عرض کنم و آن این است که اشخاص متفرقه آمده و صندوق و دایع باعتبار امضای آنها قبوض از آنها قبول کرده و خود بنده مرتکب چنین تقصیری نشده و نقدین کردم قبوض اشخاص را قبول نکنند اگر چه با بجران پولی امروزه و بجران تجارتی کدر این مملکت است اجرای این ترتیب فوق العاده مشکل است و اگر ما بقواهم در این اصل جمود کنیم مستلزم این است که حقوق یک عده ذی الحقوق از بین برود بنابراین بنده شخصاً خیال می کنم بهتر این است که وزارت عدلیه مادام که این بجران

اقتصادی است و مادام که بازار تهران این اندازه بجران پول رواج دارد این احتیاط را بکنند و قبوض اشخاص را باین ضمانت هائی از قبیل ملک یا ضمانت معتبره که اطمینان حاصل شود از بین نخواهد رفت قبول کنند ولی معنی این اسباب زحمت است و یکی از مقاصد عالی این مملکت قبض داده است و من الان عاجز از وصول پولش هستم و نمی دانم چه وسیله آن پول را وصول کنم و واقفاً طرف مقابل او هم حق دارانه و باید از وزارت عدلیه پولش را مطالبه کند و بنا براین بنده تهیه موجبات اعتبار و دایع را قائل هستم و منکر نیستم فقط قبض شخص اکتفا کند و فکر هم کرده ام این کار را بکنند و البته مادام که من در عدلیه هستم این اصل را اجرامی کنم وقتی هر کس دیگر آمد بنده مسئولیت ندارم پس از حیث دستبرد بصدوق و دایع بنده خاطر نمانده معترم رامسبوق می کنم که تشویش ذهنی نداشته باشند و هیچ دستبردی بصدوق و دایع زده نشده

رکن الملک - آقای وزیر راجع معاکم صلحیه فرموده نه قانون منع نمی کنند معاکم بدایت بدعاوی کمتر از دوست و پنجاه تومان رسیدگی کند

بنده عرض می کنم اولاً ماده دوم قانون اصول تشکیلات در تعریف معاکم عمومی می نویسد معاکم عمومی آن است که حق رسیدگی بتمام دعاوی دارد غیر از آنچه قانون صراحتاً استثنا کرده این جا یک استثنای را فائول شده و ماده چهارم اصول تشکیلات می نویسد معاکم ابتدائی دعاوی بدایع بفرمایند سؤال ثانی ایشان راجع به بودایع بود که فرمودند در صندوق و دایع دستبردهائی شده بنده این قسمت را قویاً تکذیب میکنم در صندوق و دایع هیچ نوع دستبردی نشده و دفاتر و دایع کاملاً معمل اطمینان است و برای مزید اطمینان آقای رکن الملک بنده میتوانم حتی ارقام قطعی میزان و دایره را هم بایشان عرض کنم فعلا مبلغ موجودی (۷۰۶۹۲۳) قران هفتصد و پنجاه دینار است که یک قسمت آن در بانک و وزارت مالیه و مبلغی در خود صندوق و قسمتی هم در بانک تجارتان دیگر است البته یک نکته مهم دیگر هم هست که بایست عرض کنم و آن این است که اشخاص متفرقه آمده و صندوق و دایع باعتبار امضای آنها قبوض از آنها قبول کرده و خود بنده مرتکب چنین تقصیری نشده و نقدین کردم قبوض اشخاص را قبول نکنند اگر چه با بجران پولی امروزه و بجران تجارتی کدر این مملکت است اجرای این ترتیب فوق العاده مشکل است و اگر ما بقواهم در این اصل جمود کنیم مستلزم این است که حقوق یک عده ذی الحقوق از بین برود بنابراین بنده شخصاً خیال می کنم بهتر این است که وزارت عدلیه مادام که این بجران

بودجه های جزء خود را تقدیم کنند و بایستی بطریق المدهم نالدم هراجا لازم میداند اول معاکم صلحیه بدایت و اگر حوزه استیفا است معاکم استیفا تشکیل دهد نه اینکه صلحیه حذف کند و این بودجه که آمده نافی است زیرا در تبریز و خراسان و جاهای دیگر هراجا لازم دانسته اند معاکم ابتدائی و استیفا دایر نموده اند لکن صلحیه ندارد و بموجب قانون حق رسیدگی بدعاوی که در حدود صلاحیت صلحیه است ندارد و اینکه فرمودید بودجه برای چهل محکمه صلحیه تقاضا کرده ام اگر مجلس تصویب نکرد چه می شود؟

چون مجلس چهارصد هزار تومان اعتبار داده است حالا اگر آن صد ده هزار تومان را نخواست تصویب کند آنوقت چه باید کرد؟ آنوقت محکمه صلحیه ندارد آن معاکم هم حق رسیدگی باین دعاوی را ندارند پس از این نقطه نظر این بودجه نافی است راجع بمعاکمی هم که آن ها را بمعاکم معانی تغییر فرمودید بنده تصور می کنم آن عدلیه هائی که بودجه مصوبه نداشته اند معانی نبود بلکه بودجه مرتب داشته اند و مرتباً برای آنها

می فرستادند و رئیس عدلیه هراجا معاکم بود کاملاً رعایت آنرا بکنند منتها در آخر هر برج عایدات را حساب می کردند و تومان شمار تقسیم می کردند بنده خود ششال در عدلیه اسفهان بودم و غالباً اتفاق می افتاده که تومان تومان هم می رسید همینطور آقای همدان سلطنت مدتی در خراسان رئیس استیفا بودند و بودجه مصوبه نداشتند اما اینکه می فرمایند نبودن عدلیه در بعضی نقاط مثل جاهائی است که اصلاً عدلیه نداشتند اند بنده عرض می کنم مردم تازه عادت بقانون کرده اند و آشنائی بقانون شده اند و این که ما مردم را بقانون هادت بدهیم در جاهائی هم که معاکم عدلیه بوده است آنرا منحل کنیم بقصورت اینکه بودجه مصوبه ندارد؟ راجع بتمام قضات هم فرموده اند که باین قضاتی که قبل از سنه ۱۳۳۲ در عدلیه وارو شده اند هر کدام یک راضی کردم مقصود بنده شخصی معین نبود مقصود این بود که این قضات حق دارند رسماً قضاوت کنند یا همیشه نگران خواهند بود زیرا بارسال خیلی از این قبیل قضات راهم از سنه ۱۳۳۲ وارد شده بودند بلکه چندین سال هم در ایالات خدمت کرده بودند منمفصل کرده اند و اشخاص بی سابقه را سرکار گذاشتند مقصود این بود که رفع نگرانی بشود راجع بودایع هم که از روی اطمینان فرمودند دستبردی نشده است کاملاً قانع شد

وزیر عدلیه - نتیجه سؤال آقای

تقدیم به عدلیه بود در صورتیکه ممکن بود این فرمایشات را در رکن الملک موقع شوروفتیه از بودجه عدلیه می فرمودند در هر صورت بنده باز هم یک مرتبه دیگر عرض می کنم که نمی توان معاکم بدون بودجه به بود بود آن است

ماده دوم قانون تشکیلات راهم که باید آوردید به مربوط باین مطلب نیست برای این که ماده دوم تصویب بشود باید ماده اول را هم خواند چون ممکن است یک سوء تفاهمی شده باشد ماده اول راهم می خوانم مینویسد معاکم عدلیه در نوع است عمومی و اختصاصی آنوقت ماده دوم می گوید محکمه عمومی آنست با بتمام دعاوی حق رسیدگی دارد غیر از آنچه قانون صراحتاً کرده معاکم عمومی راهم بدو درجه تقسیم می شود ابتدائی و استیفا و محکمه صلحیه هم از معاکم استثناء ابتدائی است و معاکم اختصاصی است

رکن الملک - اختصاصی است وزیر عدلیه - خیر اختصاصی نیست یک قسمتی است از معاکم پس عطف توجه باین ماده مورد داشت بکانه ماده که ممکن است قدری نظر مکارا را تقویت کند بهمان ماده صد و پنجاهم قانون اصول معاکمات حقوقی است این ماده که برای مغلوط نشدن وظایف دو محکمه است لایق

یعنی در جائیکه محکمه بدایت و صلحیه باشد وظایف آن همدیگر است که یک قسمت از کارها را راجع به محکمه صلحیه می شود و یک سنخ از کارها راجع به محکمه ابتدائی اما در جائی هم محکمه صلحیه نیست هیچ مامی ندارد که محکمه بدایت دعاوی کمتر از دوست و پنجاه تومان رسیدگی کند پس بنا براین این ماده در جائی مورد پیدا میکند که هر دو محکمه باشد هم محکمه بدایت و هم محکمه صلحیه ولی جائی که صلحیه نیست و محکمه بدایت است نمی شود مردم را از حق خودشان محروم کرد باید بمعکمه بدایت بروند یک شرحی هم راجع بی بودجه داشتن معاکمی که منحل گردیده فرمودند بقصورت آنکه بنده اطلاع نداشتم در صورتی که بنده اطلاع داشتم و کاملاً موافق با این هستم که مردم را باید با رجاع بمعاکم عدلیه در ولایات هادت داد و بهیچن ملاحظه نموده است که در بودجه امسال وزارت عدلیه علاوه بر معاکمی که سابق بوده چهارده محکمه موظف بیش بینی شده است که دولت باید حقوقش را بدهد و آقای رکن الملک که عضو قدیمی وزارت عدلیه هستند هیچوقت می دانند بیچوقت آنقدر معاکم موظف در ایران تاسیس نشده و در اکثر نقاطی که امروز ما می خواهیم معاکم موظف تشکیل دهیم سابق براین معاکم نیز موظف بوده و اینکه می فرمایند بودجه داشته اند راست است خود بنده هم می دانم پولی این بودجه را از کجا تهیه می کردند؟

از هواند خودشان و همین اصل را بنده

مضر می دانم و همین مناسبت معاکی را که تادیه حقوق آن‌ها را دولت عهده دار نیست حذف کردم و بنده برعکس جنابمالی هفده دارم که مردم را نباید باین ترتیب مانوس کرد و باید مردم از این ترتیب منصرف شوند و اینکه فرمودید عایدات را تومان شمار تقسیم می کردند آنها هیچ دلیل نمی شود که این معاکم را تصویب کرد البته دولت باید معاکم قضائی داشته باشد ولی باید پولش را هم خودش بدهد و حتی - الامکان سعی باشد دعوی کمتر بشود زیرا هر چه دعوا کمتر باشد از نقطه نظر صلاحیت جامعه بهتر است و بنابراین مخالف با معاکم لیرموظف هستم .

(در این موقع آقای رئیس از مجلس خارج و آقای مدرس نایب رئیس بجای ایشان جلوس نمودند)

نایب رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب سؤالی داشتند ؟

حاج میرزا عبدالوهاب - سؤال بنده بماند برای جلسه دیگر .

نایب رئیس - آقای فهیم الملک سؤالی از آقای وزیر پست و تلگراف داشته ؟

فهیم الملک - بنده دو سؤال داشتم کدام یکی است ؟

نایب رئیس - راجع به اجاره راه فهیم الملک - اجاره راه مربوط به وزارت فواید عامه است ولی اگر آقای وزیر پست و تلگراف حاضر هستند از ایشان سؤال میکنم .

وزیر پست و تلگراف - بفرمایند .

فهیم الملک - سؤال بنده این است که در کابینه سابق اداره راه قزوین و رشت را بزیاده گذاشته و پیشنهادی از طرف عده کثیری بوزارت تجارت اند ما بین آنها ارباب بهمن یارس که سابق هم راهمدان رداشته بیشتر از سایرین پیشنهاد کرده بود وزارت فواید عامه هم این راه را بایشان واگذار نموده .

اوم باطینان اجاره نامه اشیاء و اسبابی که در راه هراق داشت تمام را براه رشت حمل کرده چون در راه رشت بواسطه جنگ آنچه اسباب و لوازم بوده بهدر رفته بود و بعد از این واقعه يك ماه گذشت گویا وزارت پست و تلگراف بوزارت فواید عامه اظهار داشته اند که این اجاره نامه شما باطل است و باید وزارت پست اجاره دهد و وزارت پست هم با دیگری داخل مذاکره شده که با واجاره بدهد بنده در اصل این موضوع کابین اجاره نامه با وزارت پست است یا با وزارت فواید عامه مرض ندارم البته باید بطریق قانونی اجاره نامه گرفته شده باشد ولی يك وزیرى اعلان مزایده داده است و يك شخصی هم آمده اجاره کرده و مبلغی هم متضرر شده آنوقت وزارت خانه دیگر باواظهار کرده که اجاره نامه تعلق است آیا آن شخص که مالی متضرر شده و هیچ برای

اوباقی نمانده تکلیفش چیست بدون اینکه بدان وزیرى که این کار را کرده تعرضی بشود یا باو گفته شود چرا این کار را کردید او در مقام وزارت خود باقی است و آن شخص بکلی بضعک سیاه نشسته حالا خواستم سؤال کنم که وزارت پست و تلگراف برای اصلاح این امر چه طریقه را در نظر گرفته اند و حالا که يك تاجرى بکلی ورشکست می شود ؟

من بعدا اگر اشخاصی بیایند و پیشنهاداتی بکنند که عام المنفعه باشد از روی چه اطمینان باید داخل کار شوید .

زیرا يك وزیرى يك کار بی فایده را شروع می کند وزیر دیگر باو اعتراض می کند و بالاخره هیچکدام مورد اعتراض نیستند و سرمایه يك شخصی در این بین از میان می رود .

وزیر عدلیه - اگر چه این سؤال راز آقای وزیر پست و تلگراف نمودند ولی چون قسمتی از آن راجع بوزارت فواید عامه است و آقای وزیر فواید عامه هم غایب هستند و بنده هم از طرف ایشان در این کار رسیدگی کرده بودم جوابشان را بنده عرض می کنم .

ارباب بهمن قبل از اینکه قراردادی با وزارت فواید عامه منعقد بکنند بر حسب يك قرارداد مخصوصی که در پانزدهم حوت گذشته منقضی میشد مستاجر وسائل حمل و نقل راه بوده اند و بالتلیجه باعتبار همان قراردادیکه در پانزدهم حوت گذشته منقضی می شده قهرا وسائل حمل و نقل را از قبیل آب و دستگانه و اثاثیه در اینجا داشته و بنده نماینده محترم را دعوت می کنم که این نکته را در نظر داشته باشند که آقای ارباب بهمن بر حسب يك قرارداد مستقل جدائی با اداره پستی نه اثاثیه مفصلی در عرض راه داشته و وزارت فواید عامه بر حسب اعلامی که کرده است راه را و وسائل حمل و نقل را با این راه اعلان کرده است و ارباب بهمن پیشنهاداتی کرده و بالاخره مستاجر این راه شده و وزارت فواید عامه در يك قسمت از این مزایده يك عمل خلاف قانونی کرده یعنی برخلاف ماده سوم قانون پستی عمل کرده زیرا ماده سوم قانون اصلا مداخله کردن و نگاهداشتن وسائل حمل و نقل راه اداره پست محدود می کند

پس هر وزارت خانه دیگر در این قسمت مداخله کند عملیاتی قهرا معتبر نخواهد بود زیرا برخلاف قانون عمل کرده و این قسمت عملیات وزارت فواید عامه خارج از حدود اعتبار او بوده راجع بقسمتهای دیگر از قبیل راه و اینه راه حق وزارت فواید عامه بوده است و معتبر است و تا بحال هم دولت معتبر شمرده است پس از انقضای آن کثرتانی که در پانزدهم حوت گذشته منقضی میشد ارباب بهمن تقاضا کرده که دولت ترحمناً اثاثیه و

اسبابهای او را بفرود برای اینکه خساراتی باو وارد نشود اگر چه مطابق کثرتانی که در پانزدهم حوت منقضی شد ارباب بهمن این حق را نداشت زیرا دولت مکلف بخرید اثاثیه او نبود و پس از انقضای آن کثرتان ارباب بهمن مکلف بود اثاثیه خود را بردارد و ببرد ولی با وجود این دولت حاضر شد يك مساعدتی با ارباب بهمن بکند بشرط اینکه در مقابل ارباب بهمن حساب هائى را که با بانک ایران دارد تصفیه کند زیرا ارباب بهمن مطابق دفاتر بانک بیانک ایران مقروض است و البته اگر دولت يك اقدامی برای مساعدت يك مستخدم خودش بکند دیگر صرف نظر از حق خودش نمی کند ارباب بهمن باین ترتیب راضی نشد و تقاضا می کرد يك پولی در مقابل این بابا بدهد در این ضمن این قسمت ثانی پیش آمد یعنی قسمت راجع بقرارداد وزارت فواید عامه و ارباب بهمن انجام گرفت و تمام اعتبار این قرارداد گویا بیکام بیشتر نبود و بعد هم بر حسب اظهار وزارت پست و تلگراف این قرارداد ملغی شده است ولی ارباب بهمن گفته است من چهار دارم که وزارت پست و تلگراف او را ملغی کرد من میگویم امضای وزارت خانه ها معتبر است و باید در دست هر کس است معتبر باشد اساساً صحت و حکم این صرف محل تردید است نه بجهت این حرف را رد کرده می شود قبول کرد ولی این مسئله مسلم است که پایه و اساس حرف وزیر هم باید بروی قانون باشد و هر گاه بروی قانون نباشد آن امضا ممکن است اعتبار نداشته باشد با وجود این برای اینکه نکود می يك تاجر ایرانی بودم و خواسته بنده من تمدنی کنند دولت گفت تمام اثاثیه که شما در آن راه داشتید باعتبار این قرارداد که نبود شما يك قرارداد قطعی داشتید و پنج ساله بود بر حسب آن کثرتان يك مقدار اسب و کالسکه داشته اند آیا برای قرارداد ثانی چه تهیه کرده اید ؟ که از آن جهت بشما خسارت وارد میشود ؟

باین ملاحظه قرار شد بحکمیت رجوع شود ارباب بهمن حاضر شده است و نوشته هم داده و بموجب آن حاضر شده که ترتیب حکمیت قطعی آن قسمت خسارات بر آورد و از طرف دولت چیران شود قرار شد يك نفر حکم از طرف وزارت فواید عامه معین شود و يك نفر از طرف ارباب بهمن و يك نفر هم بهراضی طرفین و این سه نفر بنشینند و مطلب را ختم بکنند و در این موقع که نماینده محترم سؤال فرمودند می توانم عرض کنم که مطلب تقریباً خانه یافته است ولی این شرح را برای اطلاع آقایان نمایندگان محترم عرض کردم .

فهیم الملک - اجازه می فرماید سؤال دوم را بکنم ؟

نایب رئیس - بفرمایند .

فهیم الملک - از فراری که فنیه میشود يك وجوهی در خارج شهر یعنی در

رامها بعنوان خسارت وارده به سیم تلگراف از اهالی دهات میگیرند متلاسم که از کنار جاده میگذارد و از کاری والاغدارو گوسفند دار يك وجوهی مطالبه می کند که شاید از کنار راه آمده باشند می خواستم سؤال کنم که این خسارتها را بموجب چه حکمی باشخاص وارد می آورند و بچه مناسبت مردم باید جریمه بدهند ؟

در حالتی که شاید حقیقتاً بر خلاف واقع بانها است بدهند اما وزیر پست و تلگراف از این موضوع اطلاع دارند و این اقدامات بر حسب دستور آن وزارت خانه است با اینکه این اشخاص خود سرتانه اقدام میکنند ؟

وزیر پست و تلگراف - مسئله خسارات عمدی يك مسئله جدیدی نیست سابقه دارد یعنی از موقعی که تلگرافخانه در این جا ایجاد شده موافق قراردادی که دولت ایران با کمیانی هندو اروپا دارد يك ماده در آنجا هست که اگر خسارت عمدی بقره یا سیم یا تیر تلگراف وارد شود دولت ایران مکلف است فرامت او را از اشخاصی که باعث بوده اند وصول کرده بآنها بپردازد دولت هم همینطور اقدام می کرد .

در ولایات تلگرافخانه ها به حکام محلی اطلاع می داده اند که به فلان سیم با فلان مقره یا فلان تیر در فلان جا خسارت وارد آمده بعد از رسیدگی حکام محل اگر خسارت زدن با تفنگ یا اینکه زمستان بوهه است و از دهات آمده اند تیر را برده اند سوزانده اند این فرامات راه اادلان وصول کرده و بروی تلگرافخانه می برداخته اند و روسای تلگرافخانه هم هیچ دخالت نمی کرده و نمی کنند فقط اطلاع می دهند و اگر هم در اطراف طهران يك اتفاقی افتاده بوزارت داخله از طرف وزارت پست و تلگراف اطلاع داده می شده که فلان خسارت در فلان جا واقع شود وزارت داخله هم با مأمورین خودش اطلاع می دهد آنها هم بعمل میروند و رسیدگی می شود زیرا اگر مقره گلوله خورده باشد غیر از آن است که از زور سرما شکسته شده باشد و همچنین وقتی دیده می شود تیر کنده شده غیر از آن است که بوسیده و افتاده باشد و این چیز تازه نیست و قریب سی سال است در این مملکت مرسوم بوده و اگر دولت بخواهد این ترتیب را موقوف کرد دولت مستلزم این است که در آخر سال کمیانی هندو اروپا مبلغ زیادی که می توانم عرض کنم کمتر از پانزده هزار تومان نخواهد شد موافق قراردادی که در دست دارد از حساب خود کسر بگذارد

فهیم الملک - بنده گمان می کنم موافق توضیحاتی که آقای وزیر پست و

تلگراف دادند باید مالیات جدیدی برای فرامات وضع کنیم خودتان می فرمایید فرامات عمدی پس باید از اشخاصی که خسارت وارد آورده اند بگیرند البته تصدیق می فرمایند وقتی مأمورین در دهات میروند مقصودشان تنها مطالبه قسمت مقره نخواهد بود دوسه شب می مانند و بالاخره جریمه از کدخدای غیر کدخدا می گیرند .

اطلاعات بنده راجع به مطالبی است که در غارو فشاویه و نزدیکی طهران واقع شده و هیچ ربطی به خطر راه ندارد بنده می دانم وزارت پست و تلگراف موافق معمول قیمت خسارت عمدی را مطالبه نمیکنند ولی باید ببینم که آیا در موقع اجرا هم همینطور این منظور اجرا می شود یا خیر ؟

پس باید باسم اینکه در آخر هر سال پانزده هزار تومان ندمیم جمع کنی از مردمان بی حامی را در تحت فشار مأمورین غلاظ و شداد انداخت که هر چه می خواهند از مردم بگیرند بنده باین توضیح مغالتم فرضاً يك کسی عبور کرده و تیر انداخته از کجا معلوم می شود که چه کسی این گلوله را انداخته است؟ اهالی بیچاره چه گناه دارند؟ یا فلان چوپانی که گوسفند می چرانند چه گناه دارند؟ و اما اگر چنین ترتیبی باشد باید يك لایحه مالیاتی ترتیب بدهند که اشخاصی که در اطراف خط راه یا اطراف سیم تلگراف هستند در سال از این طرز رفتار مأمورین جلوگیری بشود

وزیر پست و تلگراف - بنده عرض نکردم بطور تمدنی و اجعاف از اشخاص چیزی گرفته می شود عرض کردم اگر يك خسارتی وارد شود مأمورین تلگرافخانه به حکام مراجعه می کند و حکام هم این فرامات را میگیرند قسمتی که مربوط به بنده بود عرض کردم و آن قسمت که راجع بوزارت داخله است باید از وزارت داخله توضیح خواست بنده اطلاع دارم که نهایت جدیت را دارند که يك چنین تمندی واقع نشود از اشخاصی که مرتکب هستند گرفته شود و بزرگترین دلیلی که در دست هست این است که در آخر هر سال يك قسمت از این فرامات لاوصول می می ماند و معلوم میشود که نمی خواهند اجعافات و تمندی شده باشد حالا اگر اتفاقاً در يك جایی احساس فرموده اید يك تمدنی واقع شده آن را باید نشان بدهید و البته وزارت داخله در این خصوص اقدام خواهد کرد که دیگر بکسی تمدنی نشود

نایب رئیس - آقای تدین سؤال از آقای وزیر پست و تلگراف راجع به دعوی برمیسی مولتیور داشتند

تدین - در تعقیب بعضی سؤالات که از طرف بعضی از نمایندگان راجع به مولتیور شد بنده هم يك قسمت سؤالات مهم داشتم متأسفانه بموقع بن رسید که آن سؤالات را

در اینجا طرح کنیم تا افکار از حقایق بیشتر مستضرر شود همچنین در نتیجه يك جدیتها می که از طرف مجلس در سابق و از طرف بعضی دیگر نسبت به رسیدگی دعوی که بمولتیور طرح می کنند شده و میشود بنا بوده است دیروز روز چهارشنبه سه ساعت بظهور مانده در وزارت پست و تلگراف کمیسیون تشکیل شود در آن کمیسیون مولتیور حاضر شده و رسیدگی و تحقیق نمایند و از قرار اعلامی که بنده پیدا کرده ام آن کمیسیون در وقت و رسیدگی که بنده پیدا کرده ام وقت و وزیر وقت ملتفت شده اند مملکت ما وارد شده متأسفانه از آن روزی که رئیس وقت وزیر وقت ملتفت شده اند می بایستی این تمبرهای موجود در ایران مطابق اصول داخلی اداره پست سورشازر بکنند که جلوگیری از این خسارت وارده بشود این کار را نکرده اند بکنفرم لازم است که اطلاعات این قسمت رداخته باشد بنده بنابراین معتقد هستم این حقایق بنده بنا بر اینکه معتقد هستم این حقایق کاملاً مکشوف شود و هر چه در آنجا مطرح شود خلاصه آن برض مجلس برسد میل دارم دو سه نفر از آن معلمین در کمیسیون حاضر باشند اگر بنا باشد در آن کمیسیون پست و تلگراف معتقد خواهد شد از خود جنابمالی هم خواهش کرده ام لطف بفرمایند و در آن کمیسیون تشریف داشته باشند

آقای یونس محمدتدین - چون مقصود بنده این است که این کمیسیون بر خلاف سایر کمیونها يك حقایق را کشف کند زیرا اغلب کمیسیون هائی که تشکیل شده سکه چاه و بیل را داشته و قضایائی که بآنها رجوع شده بیرون نمی آید و اینکه بنده آقای مستشار - السلطنه را بحضور در این کمیسیون دعوت کرده اند فقط از برای این بود که ما دو نفر سؤال کرده بودیم ولی قبلاً ذکر کرده ایم که ماها بروی يك زمینهها و اطلاعاتی که معلمین اداره پست با داده اند سؤالاتی کرده ایم می فرمایند که در آن کمیسیون باید رسوا و کسانی که کاملاً از جریانات امور پستی اطلاع دارند حاضر باشند و از قریبکه بنده شنیده ام خیال دارند فقط يك نفر را دعوت کنند و حال آنکه موضوع مهم سه چهارم است که ما این جا مطرح کرده بودیم و این سه چیز یکی تمبرهای پوشهر است و یکی سرهای تمبر است که مالک داخل در اتحاد پستی در موقع تغییرات تمبر برای دولت ایران فرستاده اند و دیگر مسئله تمبرهای فعلی دولت ایران است که در نزد يك نفر از اجار معروف یاریس پیدا شده است و مطابق کاتالوگس که در آنجا عنوان می کنند در سه ماه قبل قیمتی که برای تمبر باطل ویر مستعمل معین می کنند بیشتر از قیمت فعلی است در سه ماه قبل قیمت يك سری را هفت فرانک و نیم معین میکنند و چون موقع نشد که در جلسات گذشته سؤال را مفصل عرض کنم حالا عرض میکنم

در اداره پست یک نفر هست که اطلاعات کامل از تمبرهای پوشهر یعنی زمانیکه انگلیس ها آنجا را اشغال نظامی کرده بودند و علامت گذارده بودند دارد یک نفر دیگر هست که از سرهای تمبری که از مالک دیگر بایران آورده اند اطلاعات کامل دارد و راجع باین تمبر هائیکه اخیراً در یاریس پیدا شده تصور نمی کنم از وقتیکه این تمبرها پیدا شده يك نکت مهمی بعایدات مملکت ما وارد شده متأسفانه از آن روزی که رئیس وقت وزیر وقت ملتفت شده اند می بایستی این تمبرهای موجود در ایران مطابق اصول داخلی اداره پست سورشازر بکنند که جلوگیری از این خسارت وارده بشود این کار را نکرده اند بکنفرم لازم است که اطلاعات این قسمت رداخته باشد بنده بنابراین معتقد هستم این حقایق کاملاً مکشوف شود و هر چه در آنجا مطرح شود خلاصه آن برض مجلس برسد میل دارم دو سه نفر از آن معلمین در کمیسیون حاضر باشند اگر بنا باشد در آن کمیسیون پست و تلگراف معتقد خواهد شد از خود جنابمالی هم خواهش کرده ام لطف بفرمایند و در آن کمیسیون تشریف داشته باشند

وزیر پست و تلگراف - البته ملاحظه رعایت این نکات و دقائق خواهد شد ولی متأسفانه بنده را ناچار فرمودید که داخل يك قسمت از جواب حضرتعالی شوم و آن قسمت این است که فرمودید آن روزیکه وزیر وقت فهمید این تمبر در یاریس توسط شامیولون فروخته میشود چرا تمبر های این جارا سورشازر نکرد البته اطلاع دارید کاتالک شامیولون مدتی پیش نیست که بطهران آمده شاید چهارده روز است و بنده نمی توانستم تمبر ایران را سورشازر کنم و آن کاتالک را تا يك وجه تصدیق کنم زیرا در کاتالک قبیل اعلان فروش يك تمبری را کرده است که قیمت اوسه تومان بود بوسیله وزارت امور خارجه و مأمور خودمان در یاریس اقدامات لازم شده است و نتیجه آن اقدامات تقریب معلوم خواهد شد پس از اینکه این قسمت معلوم شود زمینه این فقره ثانی هم که در کاتالک ثانی قید شده است روشن میشود بموجب راپورتهائیکه نماینده سیاسی خودمان در آنجا میدهند و اولاً و برهائی نشان میدهد که تمبر های کلیه دول يك صورت خاصی در خارجه پیدا کرده است و باین ملاحظه بود که خواستم جواب از آنجا برسد و يك مطالباتی بنمایم و اقدامی که میشود از روی يك رو به صحیحی بوده باشد .

نایب رئیس - آقای شیخ الاسلام اصغهانى سؤالی از آقای رئیس الوزراه راجع بدوازه قرانی که اداره بلدییه مطالبه می نماید دارند

شیخ الاسلام اصغهانى - در این مدت در مجلس شورای ملی نسبت بققره

خیلی اظهار دلسوزی و قهقورای شد حتی معض رعایت فقراه کار بجائی رسید که مباحثاتی بین آقایان شد بعضی میفرمودند که معض طرفداری فقره از مرغ هم باید مالیات گرفته شود و بس مع التأسف این اظهارات انکساستی در خارج نداشته و روز بروز بر شدت و زحمت و فشار فقره افزوده میشود آلآن قریب دو ماه است کسبه طهران که بقتیده بنده از فقرای متعفف هستند و مصداق حقیقی بجهت السجامل اقتباه من التفتحه گرفتار مأمورین و دوچار توفیق حبس هستند مثل اینکه همین امروز از قراویکه شنیده ام چند نفر از کسبه اطراف لاله زار در حبس بلدییه بوده اند و مطلب این است که از هر دکانی دوازه قران پول مطالبه میشود از طرف مجلس در سابق که بنده قطع دارم چنین تصویری نشده در سابق هم معمول بوده است از هر دکانی هفته صد دینار و در عید نوروز از هر دکان يك قران گرفته میشده تا زمان کابینه فلان گنی دانم سیاه بوده است یارنك دیگر در مقابل آن عملیات شدیدة این مبلغ جزئی باین فقراه بخشیده شده حالا دیگر بنده نمی دانم چرا يك مرتبه آن مبلغ دو برابر شده بجهت اینکه هفته صد دینار و سالی يك قران شش قران و يك عباسی و حالا يك مرتبه دو برابر شده و از مردم بیچاره باین شدت مطالبه میشود اوائل بنده تصور می کرده ام که این مطلب برض رئیس محترم دولت نرسیده است تا چند روز قبل يك اعلامی توسط اداره نظامیه منتشر شده است در آنجا می نویسد بر حسب تأکید هیئت دولت مطالبه میشود این بوده که خواستم از آقای رئیس الوزراه سؤال کنم که آیا خاطر مبارکشان از این اعلان مسبق است یا خیر ؟ و در صورتیکه مسبق باشد ماخذ این مطالبه چیست ؟

رئیس الوزراء - در باب این اعلان بنده اطلاعی ندارم و یاد داشت می کنم و رسیدگی می کنم ولی مسئله که فرمودند بنظر من می آید مسئله مالیات اعطاسی باشد و همینطور کابیشان اظهار کردند از سابق يك مالیاتی برقرار بوده که از برای تطییب شعری گرفته اند در کابینه اسبق این مالیات از بین رفت و در عوض يك مالیاتی برقرار کردند که در سال تقریباً هشتاد و نود هزار تومان میشد بعد از آن که کابینه اسبق از بین رفت در کابینه سابق برای اینکه این مالیات تصویب مجلس شورای ملی نگذشته بود فرار شد آن هوارض گرفته نشود و اکثفا بشود بهمان عوارض که از سنوات قبل می دادند که مشهور است به عیدی و اعطاسی وقتی هم که این کابینه تشکیل شد همینطور مذاکره شد چون يك مالیات ستوانی و معمولی بوده فرار شد مثل سایر مالیاتها گرفته شود تا وقتی که صورت کلیه

عوارض و نتیجه مطالعاتی که در وزارت مالیه میشود به مجلس بیاید و مجلس حکم کلی را بکنند این است تفصیل و اما در باب اینکه فرمودند دو مقابل شده و همین راجع به مسئله اعلان بنده رسیدگی خواهم کرد و اگر دو برابر میگیرند البته باید جلو گیری بشود ولی آن معمولی سنوات سابق را خواهند گرفت تا وقتی که مجلس حکم کلی را بکنند و در باب عوارض بلدی هم نتیجه مطالعات وزارت مالیه تمام شده و ضمن لایحه به مجلس پیشنهاد خواهد شد صورت عوارض هم که معمول است به مجلس فرستاده شود و باید آقایان نمایندگان مطالعه کنند و هر کدام از تصویب مجلس بگذرد بموقع اجرا گذارده خواهد شد.

شیخ الاسلام - چون نظر رئیس دولت این است هر کدام معمول بوده گرفته شود تا مجلس شورای ملی تصمیمی اتخاذ کند عرض میکنم این مالیات معمول نبوده است مثلاً سال قبل يك دينار از آنها گرفته نشده خوب است غنغن بفرمائید از آنها گرفته نشود تا مجلس شورای ملی يك تصمیم اتخاذ کند اگر چه به توجه هیئت دولت سابق و رئیس الوزراء حالیه يك قدری تخفیف داده شده ولی هنوز يك قدری از آن ها در ولایات معمول است

رئیس الوزراء - این مالیاتی را که مذاکره فرمودند اگر اعطاسی و عیدی است از خیلی سنوات قبل معمول بوده باید هیئت دولت رسیدگی کند که تجاوز نشود تا در مجلس شورای ملی يك تصمیم کلی گرفته شود

نایب رئیس - اگر آقایان اجازه می دهند مجلس را ختم کنیم جلسه آینده شب يك شنبه دوم صیام دو ساعت از شب گذشته دستور اولاً بقیه مذاکرات راجع به قانون انتخابات تانباً راجع به عالی جوهری **مستشار السلطنه** - يك عریضه هم راجع به آقایان تجار بوده استدعا میکنم که آن را هم جزو دستور بگذارید

نایب رئیس - بلی قرائت کاغذ تجار هم جزو دستور خواهد شد آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - بنده عرض میکنم ساعت دو از شب گذشته که فرمودید در شبهای ماه مبارک رمضان حضور در این ساعت غیر ممکن است اگر مقصود جمع شدن جرایم در صندوق جرایم است ممکن است اول افطار را تمین بفرمائید والا تا شخصی غذا بخورد و نماز بخواند سه ساعت از شب گذشته این جامه رسد سابقاً که ساعت سه معمول بوده لهذا بنده با دو ساعت از شب گذشته مخالفم و تقاضا می کنم ساعت سه از شب گذشته را معین بفرمائید تا بتوانیم حاضر شویم **نایب رئیس** - اگر مخالفی نیست هب ندارد سه از شب گذشته باشد

آقای سید محمد باقر دست غیب - بنده مخالفم و عرض میکنم دو از شب گذشته برای افطار و نماز کافی است و باید حاضر باشند و اگر عرض این است که بخوابند و بعد از خواب بیایند آن امری است علیحده .

نایب رئیس - (خطاب به آقای میرزا علی کازرونی) بفرمائید

آقای میرزا علی - بنده فرمایش حضرت والا را تصدیق می کنم و عرض میکنم خوب است دو ساعت از شب گذشته معین بشود ولی فید شود که اگر تا ساعت سه نیامدند جریمه نداشته باشند

سلیمان میرزا - همچو چیزی ممکن نیست

محقق العلماء - خیر الامور اوسطها خوب است که دو ساعت ونیم از شب گذشته معین فرمایند .

نایب رئیس - عده برای رای گرفتن کافی نیست اگر مخالفی نباشد دو ساعت ونیم از شب گذشته باشد ؟

(اظهار مخالفی نشد)

مجلس دو ساعت از شب گذشته ختم شد

جلسه ۹۴

صورت مشروح مجلس لیله یکشنبه دوم رمضان ۱۳۴۰ مطابق دهم نور ۱۳۰۱ مجلس ۳ ساعت از شب گذشته بریاست آقای مونتین الملك تشکیل کردند صورت مجلس یوم پنجشنبه هفتم نور ۱۳۰۱ قرائت شد .

رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی .

(اجازه)

شیخ الاسلام - سئوال بنده از آقای رئیس الوزراء منحصر بکسبه خیابان لاله زار نبوده و بطور مطلق بود و آقای رئیس الوزراء هم جواب فرمودند این مبلغ جزء عوارض بوده است و باید گرفته شود فرمودند اطلاع ندارم و باید تحقیق کنم اگر چیزی معمول بوده است باید گرفته شود .

رئیس - اصلاح میشود نسبت بصورت مجلس دیگر ایرادی نیست ؟

(اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس با این اصلاح تصویب شد دستور امشب شوردر رایورت کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات است دو فقره لایحه از طرف دولت رسیده است یکی راجع است بتقاضای شانزده هزار ویانصد تومان اعتبار برای سیم کشی بین قوم سواره و دیگری تقاضای چهار هزار و سیصد تومان اعتبار برای پرداخت اضافه مهرج سنه ماضیه عدله های ولایات بکمسیون بودجه ارسال می شود راجع بانتخاب کنندگان رای مجلس معلوم شد راجع بانتخاب شوندگان هم